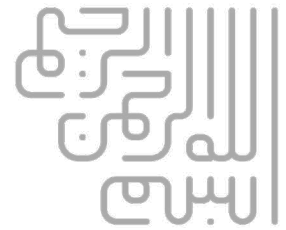


ریشه‌های الهیاتی «جنگ» در رژیم صهیونیستی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۵/۱۷
Publish Date : 2026/08/08



عنوان: ریشه‌های الهیاتی «جنگ» در رژیم صهیونیستی
تهیه و تدوین کنندگان (Authors): حامد زمانی پزوه، علی نیازی
واژه‌های کلیدی: جنگ، یهودیت، الهیات یهودی، تورات، رژیم صهیونیستی، اسرائیل، بنی اسرائیل
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21745>

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: ریشه‌های الهیاتی «جنگ» در رژیم صهیونیستی

نوع گزارش: طرح / لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش نویس قانونی □

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)

مدیر مطالعه: سینا عصاره‌نژاد دزفولی

ناظر علمی: موسی بیات

ناظران علمی خارج از مرکز: بهزاد حمیدیه (هیئت علمی گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران)،

محمدرسول ایمانی خوش‌خو (هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی)،

مریم سالم (هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی)

اظهار نظر کننده: طه اکرمی

اظهار نظر کننده خارج از مرکز: هامون سلامتی (دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه

تهران)

گرافیک و صفحه آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی: زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. نسبت سیاست‌های رژیم صهیونیستی با سنت یهودی.....	۱۰
۲-۱. جریان سکولار (حیلونی).....	۱۰
۲-۲. جریان سنتی (ماسورتی).....	۱۱
۲-۳. جریان مذهبی ملی‌گرا (داتی).....	۱۲
۲-۴. جریان ارتدوکس افراطی (حریدی).....	۱۲
۳. متون مؤثر الهیاتی در جامعه رژیم صهیونیستی.....	۱۳
۳-۱. یهودیان ارتدوکس افراطی.....	۱۳
۳-۲. یهودیان سنتی.....	۱۴
۳-۳. مذهبی‌های ملی‌گرا (صهیونیست‌های مذهبی).....	۱۴
۴. مسئله «جنگ» در منابع الهیاتی سه جریان یهود.....	۱۵
۴-۱. روایت‌های «جنگ» در تورات.....	۱۵
۴-۲. حدود سرزمینی بنی اسرائیل در تورات.....	۱۶
۴-۳. «احکام جنگ» در تورات.....	۱۶
۴-۴. «جنگ» در کتب پیامبران.....	۱۷
۴-۵. رفتار با بازماندگان.....	۱۷
۴-۶. امر «جاسوسی».....	۱۸
۴-۷. «جنگ» در کتب تاریخ.....	۱۹
۴-۸. «جنگ» در تلمود و کتب شریعت.....	۱۹
۵. جریان‌های سیاسی مؤثر در رژیم صهیونیستی تا چه میزان متأثر از الهیات یهودی هستند؟.....	۲۱
۵-۱. ایدئولوژی صهیونیسم مذهبی.....	۲۱
۵-۲. متفکران و خاخام‌های لیبرال یهودی.....	۲۲
۶. بازتاب الهیات در تحولات نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی.....	۲۳
۷. نهادینه شدن الهیات در ساختار ارتش رژیم صهیونیستی.....	۲۵
۸. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها.....	۲۶
منابع و مآخذ.....	۲۸

فهرست جدول

جدول ۱. مبانی الهیاتی و گفتمان‌های متناظر.....	۲۴
--	----

فهرست شکل

شکل ۱. ترکیب دینی جامعه رژیم صهیونیستی.....	۱۳
---	----



ریشه‌های الهیاتی «جنگ» در رژیم صهیونیستی

چکیده



مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی فهم پدیده «جنگ» در جامعه رژیم صهیونیستی و شناسایی پشتوانه‌های الهیاتی توجیه‌کننده آن است. پاسخ به این مسئله، درک و طراحی مواجهه جبهه مقاومت با این رژیم، به‌ویژه در عملیات آفندی و پدافندی نرم، را متحول می‌سازد. این گزارش با نقد کفایت تحلیل‌های صرفاً جغرافیایی، سیاسی و امنیتی، استدلال می‌کند که فهم جامعه، سیاست‌ها و رویکردهای نظامی رژیم صهیونیستی، مستلزم واکاوی محرک‌های هویتی و الهیاتی مؤثر بر راهبردهای آن است. بر این اساس، جامعه رژیم صهیونیستی نه یکپارچه، بلکه متشکل از چهار طیف سکولار، سنتی، مذهبی-ملی‌گرا و حریدی است که هر یک برداشت متفاوتی از مفهوم و کارکرد جنگ دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چند بدنه اصلی ارتش را طیف سکولار تشکیل می‌دهد، اما جریان صهیونیسم مذهبی (مذهبی-ملی‌گرا) نقشی فزاینده در شکل‌دهی به سیاست‌های جنگی و هسته‌ایدئولوژیک نیروهای نظامی ایفا می‌کند. از منظر این جریان، جنگ صرفاً ابزار سیاسی نیست، بلکه فریضه‌ای دینی (مِلِحْمَت میصوا) برای تحقق وعده‌های توراتی، به‌ویژه تصرف و تسلط کامل بر «سرزمین موعود» محسوب می‌شود. همچنین، مؤلفه‌هایی چون دعا و «لشکر معنوی» بخشی جدایی‌ناپذیر از تلقی آنان از جنگ است. بر این اساس، هرگونه ارزیابی راهبردی از رفتار رژیم، بدون توجه به ابعاد الهیاتی مؤثر بر دکترین‌های عملیاتی و اهداف بلندمدت آن، ناقص خواهد بود. از این رو، پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های مسئول از ظرفیت گسل‌های اجتماعی-الهیاتی در جنگ شناختی و رسانه‌ای برای تقبیح سیاست‌های رژیم صهیونیستی در افکار عمومی جهانی و جامعه داخلی آن بهره‌برداری کنند.



شرح / بیان مسئله

در تحلیل روندهای نظامی رژیم صهیونیستی، تقلیل محرک‌های رفتاری این بازیگر به مؤلفه‌های صرفاً مادی، جغرافیایی، سیاسی و نظامی، رویکردی ناکافی است. از این رو، بررسی ریشه‌های الهیاتی جنگ در سنت یهود و رفتار رژیم صهیونیستی، به عنوان تنها رژیم سیاسی مدعی نمایندگی یهودیت، بدون شناخت ساختار هویتی جامعه آن امکان پذیر نیست. این پژوهش بر این فرض استوار است که جنگ‌افروزی‌ها و سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا را نمی‌توان مستقل از بسترهای الهیاتی و جامعه‌شناختی آن تحلیل کرد. بر این اساس، چارچوب تحلیلی پژوهش بر دو پرسش استوار است: نخست، جامعه کنونی رژیم صهیونیستی تا چه اندازه متأثر از الهیات یهودی است؟ دوم، جریان‌های سیاسی مؤثر در ساختار قدرت این رژیم تا چه میزان از آموزه‌های الهیاتی برای توجیه و پیشبرد جنگ بهره می‌برند؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم واکاوی لایه‌های دینی، هویتی و ایدئولوژیکی است که در شکل‌دهی به ماشین جنگی رژیم نقش دارند. در عین حال، تمرکز این گزارش بر مؤلفه‌های الهیاتی به معنای نادیده گرفتن سایر عوامل نیست؛ بلکه رفتار رژیم صهیونیستی حاصل تعامل محاسبات امنیتی، منافع سیاسی، فشارهای داخلی و مؤلفه‌های ایدئولوژیک، از جمله الهیات، است و هر گونه ارزیابی یا تصمیم‌گیری راهبردی باید این ماهیت چندوجهی را مدنظر قرار دهد.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه و ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی یک‌دست نبوده و درک دگرگون‌ترین نظامی آن نیازمند شناخت دقیق شکاف‌های اجتماعی و قرائت‌های مختلف از الهیات جنگ است. مهم‌ترین یافته‌ها عبارت‌اند از:

الف) آرایش جامعه‌شناختی و تأثیر آن بر سیاست‌های اتخاذ شده

جامعه یهودیان در فلسطین اشغالی بر اساس میزان پایبندی به شریعت به چهار گروه عمده تقسیم می‌شود که هر یک نقش متفاوتی در قبال پدیده جنگ ایفا می‌کنند:

■ **طیف سکولار (حیلونی):** این طیف با دربرگرفتن حدود ۴۵ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی، از زمان تأسیس رژیم هژمونی تاریخی نهادهای کلیدی، از جمله ارتش و نهادهای امنیتی، را در اختیار داشته است. با این حال، تلقی آن از یهودیت بیش از آنکه مبتنی بر شریعت باشد، بر هویت قومی - ملی استوار است؛ هر چند در دوره‌های بحران، گرایش‌های دینی در این طیف تقویت می‌شود. البته، میزان نفوذ جریان‌های سکولار و مذهبی در نهادهای مختلف یکسان نیست؛ به گونه‌ای که جریان‌های سکولار همچنان در بخش‌هایی از ساختار سنتی دولت، دیوان‌سالاری و برخی نهادهای امنیتی نقش پررنگ‌تری دارند، در حالی که صهیونیسم مذهبی در دهه‌های اخیر نفوذ خود را در ائتلاف‌های سیاسی، برخی وزارتخانه‌ها، سیاست‌های شهرک‌سازی و بخش‌هایی از نظام آموزشی و ساختارهای دینی و نظامی گسترش داده است.

■ **طیف سنتی:** این طیف با اختصاص حدود ۲۵ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی، دائماً میان سنت و مدرنیته در نوسان است. اهمیت راهبردی این گروه در نقش واسطه‌گری آنهاست؛ به نحوی که آرای آنها در تثبیت ائتلاف‌های راست‌گرا و حمایت از سیاست‌های تهاجمی بسیار تعیین‌کننده است.

■ **طیف مذهبی‌های ملی‌گرا (صهیونیسم مذهبی):** این گروه که حدود ۱۶ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند، تقید دینی بالایی دارند، اما برخلاف سنت‌گرایان افراطی، به شدت در ارتش، شهرک‌سازی‌ها و نهادهای سیاسی فعال هستند. نفوذ این جریان در کابینه و سطوح فرماندهی ارتش بسیار فراتر از وزن جمعیتی آنهاست و موتور محرک ایدئولوژیک رژیم در توسعه‌طلبی ارضی محسوب می‌شوند.

■ **طیف حری‌دی‌ها (ارتدوکس افراطی):** این گروه منزوی که حدود ۱۴ درصد از جامعه رژیم صهیونیستی هستند، تمرکز خود را بر مدارس



دینی (یشیوا) قرار داده‌اند. مطالبه معافیت از سربازی توسط این گروه، یکی از بزرگ‌ترین گسل‌های اجتماعی و چالش‌های نهاد نظامی در رژیم صهیونیستی است.

ب) باز تولید انگاره «مشروعیت الهی جنگ» از بستر الهیات سیاسی

مکتب فکری خاخام کوک (پدر و پسر) پایه و اساس ایدئولوژی صهیونیسم مذهبی را شکل می‌دهد. در این مکتب، جنگ‌های معاصر رژیم صهیونیستی دارای «قداست و مشروعیت الهی» تلقی می‌شوند. ارتش در چارچوبی دینی تفسیر شده و تأسیس دولت رژیم صهیونیستی به‌عنوان «آغاز فرایند رستگاری» فهم می‌شود. این رویکرد، خشونت نظامی را به‌جای «ابزار سیاسی»، یک «فریضه دینی» می‌داند.

ج) ابعاد غیرمادی نبرد و ادعاهای سرزمینی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در منطق دینی حاکم، پیروزی نظامی صرفاً متکی بر تسلیحات مادی نیست. در متون مقدس یهودی، عناصری چون «دعا»، «توبه» و «قرائت تورات» نیز در تحقق پیروزی مؤثر تلقی می‌شوند؛ از این رو، خریدی‌ها طلباء مدارس دینی را «لشکر معنوی» و مکمل نبرد زمینی ارتش می‌دانند. همچنین، ارجاع به حدود سرزمینی وعده داده شده در تورات، از رود فرات تا دریای مدیترانه، ظرفیت قابل توجهی برای مشروعیت بخشی به ادعاهای ارضی و سیاست‌های توسعه طلبانه فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، سیر تکوین دین یهود تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی گوناگون بوده و این امر به شکل گیری تفاسیر الهیاتی متفاوت از جنگ منجر شده است. هر چند این تفاسیر به یک میزان در جامعه رژیم صهیونیستی پذیرفته نشده‌اند، تقویت یا تضعیف آنها می‌تواند بر سیاست‌های جنگی این رژیم اثر گذار باشد. بر این اساس، موضوعاتی مانند انگیزه آغاز جنگ، پیش دستی، میزان خشونت و شرایط پایان آن، تابع این تفاوت‌های تفسیری‌اند؛ بالاین حال، مشروعیت جنگ برای حفاظت از جامعه یهودی، در اغلب جریان‌ها و تفاسیر دینی، از اجماع نسبی برخوردار است.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

۱. بهره‌برداری از گسل خدمت نظامی (جنگ شناختی)

شکاف میان جریان سکولار، که بار اصلی جنگ و اقتصاد را بر دوش می‌کشد، و جریان خریدی، که خواهان معافیت از خدمت نظامی و برخورداری از یارانه‌های دولتی است، یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های انسجام اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی به شمار می‌رود. از این رو، دستگاه‌های رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی محور مقاومت می‌توانند در بحران‌های طولانی مدت، این گسل را در عملیات‌های شناختی مدنظر قرار داده و بر کاهش تاب‌آوری داخلی رژیم متمرکز شوند. البته، بهره‌برداری از این شکاف تابع شرایط است؛ زیرا تهدیدات خارجی و جنگ، در بسیاری از موارد، به تقویت هم‌بستگی داخلی، انسجام هویتی و کاهش موقت آثار برخی شکاف‌های اجتماعی می‌انجامد. افزون بر این، شکاف مربوط به خدمت نظامی، پدیده‌ای چندبعدی و ریشه‌دار است که از عوامل مذهبی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و هویتی تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین، ارزیابی ظرفیت بهره‌برداری از آن باید با توجه به شرایط زمانی، شدت تهدید، وضعیت افکار عمومی، تحولات سیاسی داخلی و مجموعه این متغیرها انجام شود.

۲. خلع سلاح مشروعیت در مجامع بین‌المللی

دستگاه دیپلماسی کشور باید با ایجاد روایتی متقابل، بهره‌برداری ابزاری رژیم صهیونیستی از الهیات یهودی برای توجیه اشغالگری، توسعه طلبی و پاک‌سازی قومی را در مجامع بین‌المللی و گفتمان‌های حقوق بشری برجسته سازد. تفکیک آیین یهودیت از «الهیات جنگ افروز صهیونیسم مذهبی» نیز می‌تواند زمینه جلب همراهی افکار عمومی جهانی، از جمله جوامع یهودی خارج از سرزمین‌های اشغالی، با نقد سیاست‌های جنگ طلبانه این رژیم را فراهم کند. البته، درباره ادعای «توسعه طلبی از نیل تا فرات» باید میان تفاسیر حداکثری برخی جریان‌های ایدئولوژیک، به‌ویژه بخشی از صهیونیسم مذهبی، از وعده‌های سرزمینی و سیاست رسمی دولت اسرائیل تفکیک قائل شد؛ زیرا نسبت این دو، نیازمند بررسی مستقل و مستند است.

۱. مقدمه

پدیده «جنگ» اگر چه در ظاهر امری مادی و مبتنی بر محاسبات جغرافیایی-سیاسی^۱ و امنیتی ارزیابی می‌شود، اما در بسیاری از ساختارهای سیاسی، عمیقاً با آموزه‌های دینی و برداشت‌های الهیاتی گره خورده است. در این میان، بررسی نسبت میان «الهیات یهود» و «سیاست‌های نظامی» حاکم بر سرزمین‌های اشغالی، از اهمیت راهبردی مضاعفی برخوردار است؛ چرا که از یک سو تصمیم‌سازی‌های کلان در این ساختار، متأثر از خوانش‌های متنوع از متون مقدس و سنت دینی یهودیت است و از سوی دیگر نیز تاب‌آوری اجتماعی و توجیه «جنگ» در جامعه فعلی رژیم صهیونیستی دارای پشتوانه‌های اعتقادی الهیاتی است.

در ادبیات معاصر الهیات سیاسی، جنگ صرفاً به عنوان ابزار تحقق اهداف سیاسی یا ادامه سیاست با ابزارهای دیگر تلقی نمی‌شود، بلکه در برخی سنت‌های فکری، جنگ واجد کارکردی هویت‌ساز و مشروعیت‌بخش نیز است. از این منظر، فهم نسبت میان دین، سیاست و جنگ مستلزم توجه به مبانی الهیاتی است که از طریق آنها مفاهیمی همچون «دشمن»، «حاکمیت» و «مشروعیت استفاده از زور» معنا می‌یابند. بر این اساس، الهیات سیاسی بیش از آنکه به آموزه‌های دینی به مثابه مجموعه‌ای از باورهای اعتقادی بپردازد، در پی تبیین نحوه انتقال مفاهیم دینی به عرصه سیاست و تأثیر آنها بر تعریف قدرت، اقتدار و جنگ است [۱].

در این چارچوب، برخی نظریه‌پردازان الهیات سیاسی، از جمله کارل اشمیت^۲، بر این باورند که امر سیاسی بر تمایز میان «دوست» و «دشمن» استوار است و امکان وقوع جنگ، حتی در شرایط صلح، همواره در بطن حیات سیاسی حضور دارد. از این منظر، دشمن صرفاً یک رقیب سیاسی نیست، بلکه موجودیتی است که امکان تهدید نظم سیاسی و هویت جمعی را نمایندگی می‌کند. در نتیجه، تصمیم درباره مواجهه با دشمن، در شرایط بحرانی، به یکی از بنیادی‌ترین مظاهر حاکمیت سیاسی تبدیل می‌شود [۱].

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران معاصر کوشیده‌اند نشان دهند که الهیات سیاسی صرفاً به مشروعیت‌بخشی به قدرت محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر نحوه ادراک جنگ، تعریف تهدید و تفسیر خشونت نیز اثر بگذارد. در این رویکرد، جنگ تنها واکنشی به یک تهدید خارجی نیست، بلکه ممکن است به بخشی از روایت هویتی یک جامعه یا جنبش سیاسی تبدیل شود؛ روایتی که از طریق آن، مرزهای میان «خودی» و «دیگری» بازتعریف و استمرار کنش سیاسی توجیه می‌شود. به بیان دیگر، جنگ در این چارچوب صرفاً یک ابزار نیست، بلکه می‌تواند واجد کارکردی هویت‌ساز و معنابخش باشد [۱].

برخی مطالعات جدید نیز با بهره‌گیری از این چارچوب نظری، تحولات معاصر رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعات استدلال می‌کنند که در بخشی از گفتمان صهیونیسم مذهبی، برخی مفاهیم الهیاتی در تبیین جایگاه سرزمین، امنیت، دشمن و مأموریت تاریخی دولت یهود نقش آفرین هستند. باین حال، این پژوهش‌ها عموماً تأکید می‌کنند که چنین تحلیلی ناظر به همه جریان‌های سیاسی، مذهبی و نظامی اسرائیل نیست، بلکه به بررسی بخشی از گفتمان‌های فعال در این رژیم می‌پردازد. از این رو، تعمیم این چارچوب به کل ساختار تصمیم‌گیری یا تمامی اجزای جامعه اسرائیل از نظر روش‌شناختی قابل دفاع نیست. بر این اساس، در پژوهش حاضر نیز از مفهوم «الهیات سیاسی جنگ» نه به عنوان متغیر تبیین‌کننده انحصاری رفتار نظامی رژیم صهیونیستی، بلکه به عنوان چارچوبی تحلیلی برای بررسی نحوه اثرگذاری

1. Geopolitics
2. Carl Schmitt



برخی برداشت‌های دینی بر بخشی از گفتمان‌ها، نهادها و کنشگران مؤثر در حوزه امنیتی و نظامی استفاده می‌شود [۱]. لذا، گزارش پیش‌رو با هدف واکاوی پیوند میان «مذهب» و «جنگ» در سنت یهودی تدوین شده است. پرسش محوری این پژوهش آن است که جامعه و جریان‌های سیاسی رژیم صهیونیستی تا چه میزان متأثر از الهیات یهودی هستند و این تأثیرپذیری چگونه خود را در میدان نبرد نشان می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، ضروری است که تصویر یکپارچه از جامعه هدف کنار گذاشته شده و وزن هویتی طیف‌های مختلف آن شامل سکولارها، سنتی‌ها، مذهبی‌های ملی‌گرا (صهیونیسم مذهبی) و خریدی‌ها در نسبت با پدیده جنگ مورد مذاقه قرار گیرد. فرضیه این پژوهش این است که در نگاه جریان‌های مذهبی و حتی بخش‌هایی از جامعه سکولار و سنتی، جنگ صرفاً یک تقابل نظامی نیست، بلکه ابعادی الهیاتی نظیر مفهوم «جنگ مشروع»، «توسعه سرزمین موعود» (از فرات تا مدیترانه) و نقش مؤلفه‌های غیرمادی همچون «دعا» و «لشکر معنوی» در پیروزی‌های میدانی، نقش بسزایی در جهت‌دهی به جنگ ایفا می‌کند. لازم به ذکر است که این گزارش مدعی تبیین کامل سیاست‌های نظامی یا جایگزینی تحلیل‌های امنیتی-سیاسی نیست. هدف، شناسایی یکی از لایه‌های تأثیرگذار (یعنی الهیات) بر گفتمان و مشروعیت بخشی به سیاست‌هاست. برای تحلیل نهایی جنگ، حتماً باید مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، نظامی، اقتصادی و بین‌المللی نیز لحاظ شوند که در اینجا از حوصله گزارش خارج است.

۲. نسبت سیاست‌های رژیم صهیونیستی با سنت یهودی

پرسش از نسبت «یهودیت» و «جنگ» به‌خصوص در زمانه‌ای که رژیم صهیونیستی به‌عنوان تنها رژیم یهودی جهان در حال جنگ‌افروزی در غرب آسیاست، نمی‌تواند بدون توجه به سیاست و جامعه رژیم صهیونیستی مطرح شود؛ لذا برای آنکه تحلیل دچار خطا نشود، لازم است تا ابتدا به دو سؤال، پاسخ داده شود.

۱- بافت جامعه رژیم صهیونیستی تا چه میزان متأثر از الهیات یهودی است؟

۲- جریان‌های سیاسی مؤثر در رژیم صهیونیستی تا چه میزان متأثر از الهیات یهودی هستند؟

در پاسخ به سؤال اول، می‌توان گفت که جامعه یهودی در رژیم صهیونیستی معمولاً براساس میزان پایبندی به شریعت و سنت‌ها به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شود. آمارهای تقریبی براساس گزارش‌های «مرکز آمار اسرائیل» (CBS)^۱ و «مؤسسه دموکراسی اسرائیل»^۲ به شرح زیر است (این آمار مربوط به سال‌های اخیر است):

۲-۱. جریان سکولار (حیلونی)^۳

جریان سکولار بادربر گرفتن بالغ بر ۴۵ درصد از بافت جمعیتی رژیم صهیونیستی، اکثریت نسبی جامعه را تشکیل می‌دهد؛ طیفی که گرچه تقید چندانی به انجام مناسک مذهبی ندارد، اما همچنان به سنت‌های فرهنگی پایبند است [۱۸ و ۲]. از منظر تبارشناسی تاریخی، بنیان‌گذاران اولیه ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی عمدتاً از این پایگاه اجتماعی برخاسته‌اند و در شرایط کنونی نیز، این جریان هژمونی و نفوذ راهبردی خود را بر نهادهای حاکمیتی و کلیدی از جمله دیوان عالی، جریان‌های کلان اقتصادی، شبکه‌های رسانه‌ای و سطوح عالی فرماندهی ارتش حفظ کرده است. در عرصه رقابت‌های حزبی و سیاسی، نمایندگی این گروه عمدتاً بر عهده احزاب طیف میانه، چپ و راست سکولار (نظیر احزاب «یش عتید»^۴، «کارگر»^۵

۱. Central Bureau of Statistics

۲. The Israel Democracy Institute

۳. Hiloni

۴. (There Is a Future) Yesh Atid/ יש עתיד

۵. Labor Party/ העבודה

«اسرائیل بیتنو»^۱ و بخش قابل توجهی از «حزب لیکود»^۲ قرار دارد که به‌رغم روند نسبی کاهش سهم جمعیتی این طیف در سال‌های اخیر، همچنان حائز بخش عمده‌ای از کرسی‌های پارلمان (کنست)^۳ بوده و وزنه سیاسی اصلی را در قوه مقننه تشکیل می‌دهند. با توجه به سهم جمعیتی حدوداً ۴۵ درصدی جریان سکولار، واکاوی پویایی‌شناسی اعتقادی و الهیاتی این طیف از اهمیت تحلیلی ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌ویژه آنکه برخلاف برداشت‌های تقلیل‌گرایانه، مفهوم سکولاریسم در این بستر اجتماعی الزاماً مترادف با مطلق «خداناباوری»^۴ نبوده و داده‌های پیمایشی حاکی از اعتقاد نیمی از این جمعیت به خداوند یا نیرویی برتر است (در برابر نیمه دیگر که شامل طیف خداناباوران و «ندانم‌گرایان»^۵ می‌شوند) [۱۸ و ۲].

در انگاره‌شناسی این جریان، یهودیت پیش از آنکه یک نظام عقیدتی و فقهی مقیدکننده تلقی گردد، به مثابه یک ساختار هویتی مبتنی بر مؤلفه‌های قومی، ملی و فرهنگی صورت‌بندی می‌شود. بر این اساس، رویکرد این جامعه نسبت به مناسک مذهبی فاقد اصالت و انگیزش الهیاتی بوده و مشارکت در این آیین‌ها عمدتاً با کارکردهای نمادین، بازتولید سنت‌های خانوادگی و تقویت هم‌بستگی ملی توجیه می‌پذیرد. از منظر معرفت‌شناختی و حقوقی نیز، این گروه مرجعیت شریعت یهود (هلاخا)^۶ را به عنوان دستورالعملی الزام‌آور برای زیست مدرن مردود دانسته و از رعایت محدودیت‌های فقهی روزمره (نظیر «تقیدات روز شنبه»^۷ و «قوانین غذایی کاشروت»)^۸ امتناع می‌ورزند. در جمع‌بندی می‌توان گفت؛ که نظام باورهای این جریان رانمی‌توان خلأ الهیاتی^۹ پنداشت؛ بلکه منظومه فکری آنان بر بنیان‌های «انسان‌محوری»^{۱۰} «قوم‌گرایی»^{۱۱} و سنت‌های فرهنگی استوار است؛ رویکردی که در آن، متون مقدس در تقلیل‌یافته‌ترین حالت خود، صرفاً ایفاگر کارویژه‌ای هویتی برای این جریان هستند.

۲-۲. جریان سنتی (ماسورتی)^{۱۲}

جریان سنتی با اختصاص سهمی بالغ بر ۲۵ درصد از بافت جمعیتی، طیفی است که ضمن فاصله گرفتن از جریان‌های سنت‌گرا،^{۱۳} در پی ایجاد توازن میان اقتضائات زیست مدرن و تقیدات مذهبی بوده و عمدتاً به‌صورت گزینشی به اجرای برخی مناسک و احکام شریعت یهود (نظیر آیین‌های روز شنبه و قواعد تغذیه کاشروت) می‌پردازد [۱۸ و ۲]. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این گروه به مثابه یک ائتلاف رأی سیال و تعیین‌کننده عمل نموده و پایگاه اجتماعی و انتخاباتی کلیدی برای احزاب طیف راست و راست‌میانه به‌شمار می‌آید. در سپهر سیاسی، سبد آرای این جریان عمدتاً به‌سوی حزب لیکود سرازیر می‌شود؛ هرچند بخش قابل توجهی از آنان (به‌ویژه «یهودیان سفاردی»^{۱۴} و «شرقی‌تبار»)^{۱۵} پایگاه اصلی حامیان حزب مذهبی «شاس»^{۱۶} را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس، جریان مذکور در دهه‌های اخیر نقشی راهبردی و غیرقابل‌انکار در قوام، تثبیت و استمرار حیات ائتلاف‌های حاکم راست‌گرایا کرده است [۲].

۱. ישראל ביתנו / Israel Our Home

۲. لیکود / Likud

۳. کنست (Knesset/כנסת) پارلمان رژیم صهیونیستی و مرکز اصلی قانونگذاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی آن است. این نام از کنست هگدولا (مجمع بزرگ) گرفته شده که در دوران باستان (حدود ۲۵۰۰ سال پیش) عالی‌ترین نهاد دینی و قانونی یهودیان بوده است.

۴. Atheism

۵. Agnostic Theism

۶. Sabbath/שבת

۷. Kashrut/כשרות

۸. Theologic

۹. Humanism

۱۰. Ethnocentrism

۱۱. Masorti/מסורתי

۱۲. Orthodox

۱۳. Sephardic Jews/ספרדים

۱۴. Mizrahi Jews/מזרחיים

۱۵. Shas/ש"ס

۱۶. Halakha/הלכה



۳-۲. جریان مذهبی ملی‌گرا (داتی)^۱

جریان موسوم به «صهیونیسم مذهبی»^۲ طیفی است که ضمن تقید سخت‌گیرانه به شریعت یهود، قائل به هم‌گرایی و ادغام فعالانه در ساختارهای جامعه مدرن، ارکان نظامی و سپهر سیاسی است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، به‌رغم برخورداری از سهم جمعیتی حدوداً ۱۶ درصدی، ضریب نفوذ راهبردی این جریان در سال‌های اخیر به مراتب فراتر از وزن آن بسط یافته است؛ به‌گونه‌ای که حضور پررنگ و مؤثری در بدنه ارتش (به‌ویژه در سطوح فرماندهی و کادر افسری)، دستگاه‌های اداری دولتی و همچنین فرایندهای سیاستگذاری ناظر بر توسعه طرح‌های شهرک‌سازی ایفا می‌نماید. در عرصه رقابت‌های حزبی، احزابی نظیر صهیونیسم مذهبی و «عوتسما یهودیت»^۳ (قدرت یهودی) تبلور سازمانی و نمایندگی سیاسی این پایگاه اجتماعی را بر عهده دارند که با مشارکت در ائتلاف‌های حاکم سال‌های اخیر و تصدی‌گری وزارتخانه‌های کلیدی و حاکمیتی (همچون وزارتخانه‌های دارایی و امنیت ملی)، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و پیکربندی جهت‌گیری‌های کلان کابینه بر عهده گرفته‌اند [۳].

۴-۲. جریان ارتدوکس افراطی (حریدی)^۴

جریان حریدی (ارتدوکس افراطی) به‌عنوان طیفی به‌شدت محافظه‌کار شناخته می‌شود که با اتخاذ رویکرد انزواگرایانه و تمرکز سکونت در محلات اختصاصی، محوریت حیات اجتماعی خود را بر مطالعات دینی و آموزه‌های تورات قرار داده است [۳]. این جریان قریب به ۱۴ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی را به خود اختصاص داده است و از منظر پویایی‌شناسی سیاسی، به‌واسطه انسجام تشکیلاتی بالا و ماهیت ائتلافی نظام پارلمانی، نقش راهبردی و تعیین‌کننده‌ای (به‌مثابه «ائتلاف تاج‌بخش»)^۵ در تکوین کابینه‌ها ایفا می‌نماید؛ به‌نحوی که تشکیل و تثبیت ائتلاف‌های حاکم راست‌گرا عموماً منوط به جلب حمایت و مشارکت سیاسی این طیف است. جهت‌گیری کلان و مطالبات غایی این جریان عمدتاً بر حفظ وضع موجود در مناسبات دین و حاکمیت، تداوم معافیت طلاب مدارس دینی (یشیواها)^۶ از خدمت نظام وظیفه و همچنین تضمین تأمین مالی نهادهای مذهبی متمرکز است. در سپهر رقابت‌های حزبی نیز نمایندگی سیاسی این پایگاه جمعیتی در کنست بر عهده دو حزب عمده شاس (نماینده یهودیان سفاردی) و «یهودیت توراتی متحد»^۷ (نماینده «اشکنازی‌ها»)^۸ قرار دارد؛ احزابی که در ساختار توزیع قدرت درون ائتلافی، عموماً تصدی‌گری و راهبری وزارتخانه‌های تخصصی و خدماتی نظیر وزارتخانه‌های کشور، امور مذهبی، مسکن و رفاه اجتماعی را بر عهده می‌گیرند [۳].

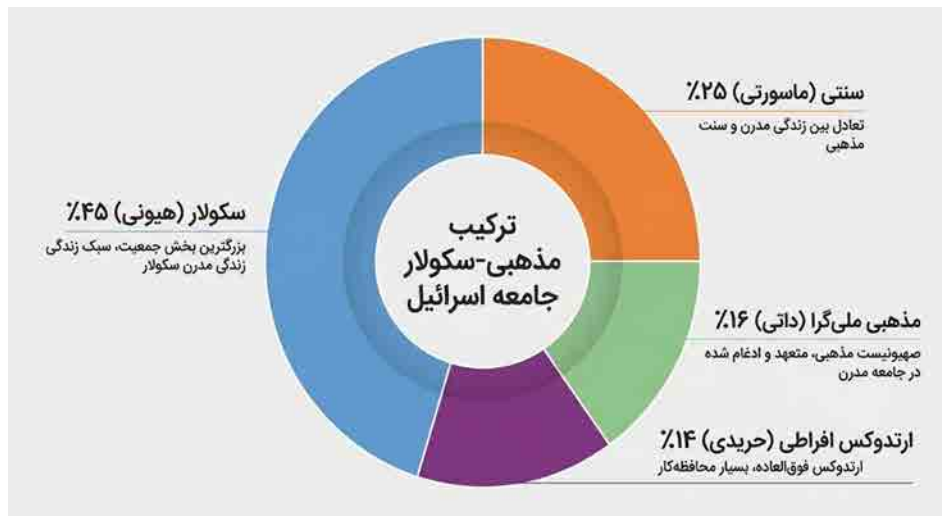
1. Dati
2. Religious Zionism
3. Otzma Yehudit / 'הודית / עוצמה
4. Haredi

۵. اصطلاح «تاج‌بخش» یا در زبان سیاسی، «شاه‌ساز» (Kingmaker)، به حزبی گفته می‌شود که به‌تنهایی اکثریت ندارد، اما بدون حضور او هیچ‌یک از دو جناح اصلی (راست یا چپ) نمی‌توانند دولت تشکیل دهند؛ بنابراین آن حزب است که تعیین می‌کند چه کسی نخست‌وزیر شود.

6. Yeshiva / ישיבה
7. United Torah Judaism (UTJ)

۸. یهودیان اشکنازی (Ashkenazi Jews) گروهی از یهودیان هستند که ریشه تاریخی‌شان به اروپای مرکزی و شرقی برمی‌گردد.

شکل ۱. ترکیب دینی جامعه رژیم صهیونیستی



مأخذ: نگارندگان.

بنابراین، با توجه به آمارهای ارائه شده، یهودیت برای حداقل ۵۵ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی دارای اهمیت است و سبک زندگی و تصمیمات سیاسی آنها را شکل می دهد. به طور خلاصه، در حالی که سکولارها و سنتی ها بدنه اصلی اقتصاد و نهادهای مدنی را تشکیل می دهند، احزاب مذهبی (مذهبی ملی گرا و حردی) به دلیل نیاز به تشکیل ائتلاف های شکننده برای تشکیل دولت، از اهرم فشار سیاسی بسیار بالایی برخوردارند.

۳. متون مؤثر الهیاتی در جامعه رژیم صهیونیستی

الهیات یهودی مؤثر بر جامعه رژیم صهیونیستی در جریان های متفاوت، حاصل تفسیر منابعی متفاوت است. برای نزدیک شدن به پاسخ پرسش اصلی متن، منابع الهیاتی مؤثر بر هر جریان در ادامه ذکر می شود.

۳-۱. یهودیان ارتدوکس افراطی

در واکاوی مبانی معرفت شناختی و فقهی جریان ارتدوکس افراطی (حردی)، باید اذعان داشت که مرجعیت و منبع غایی این طیف در صورت بندی و تنظیم تمامی ساحت های زیست فردی، اجتماعی و سیاسی، بر مبنای شریعت یهود (هلاخا) و متون مرجع آن، نظیر «تلمود»^۱ و به ویژه رساله فقهی «شولحان عاروخ»^۲ استوار است. از منظر رهیافت های الهیاتی این جریان، خوانش و ادراک مفاهیم تورات صرفاً از مجرای سنت های تفسیری خاخام های کهن و استناد به متون کلاسیک (نظیر «میشنا»^۳ و «گمارا»^۴) موضوعیت و اصالت می یابد. بر همین اساس، احکام و الزامات فقهی منبعت از این نظام معرفتی، به مثابه دستور العملی بلامنازع و راهنمای مطلق در هدایت و جهت دهی به کلیه شئون زندگی تلقی می گردد [۲].

۱. Talmud/ תלמוד

۲. Shulchan Aruch/ שולחן ערוך

۳. «میشنا» (Mishnah/ משנה). نخستین تدوین بزرگ قانون شفاهی یهودی است.

۴. «گمارا» (Gemara/ גמרא) مجموعه بحث ها و تفسیر های خاخام ها درباره میشناست.



۲-۳. یهودیان سنتی

در بررسی مختصات فکری و رفتاری جریان یهودیان سنتی (ماسورتی)، محوریت ارعاعات مذهبی این طیف عمدتاً بر متون پایه و مناسک عمومی، نظیر تورات، کتب ادعیه (سیدور)^۱ و تقید به اعیاد مذهبی استوار است. کارویژه اصلی رجوع به منابع یاد شده در میان این جمعیت، تأمین چارچوب‌های اخلاقی و صیانت از مؤلفه‌های هویت یهودی است. از منظر پویایی‌شناسی سیاسی و رویکرد حکمرانی نیز این جریان برخلاف طیف‌های بنیادگرا، خواهان تسری حداکثری و اجرای موبه‌موی شریعت در عرصه سیاستگذاری عمومی نبوده و رویکردی نسبتاً منعطف‌تر و عمل‌گرایانه‌تر را در قبال ادغام احکام فقهی در ساختار حقوقی و سیاسی دنبال می‌نماید [۲].

۳-۳. مذهبی‌های ملی‌گرا (صهیونیست‌های مذهبی)

این گروه علاوه بر اهمیت دادن به تلمود و هلاخا، توجه ویژه‌ای به متن «تنخ»^۲ دارد؛ افزون بر این، نوشته‌های فقهی-سیاسی خاخام‌های معاصر، به‌ویژه آثار «خاخام کوک»^۳ که ترکیبی از شریعت یهود، ملی‌گرایی و تأکید بر جایگاه سرزمین موعود است، به‌عنوان مرجع کلیدی در شکل‌دهی رفتارهای سیاسی و اجتماعی این گروه به‌شمار می‌آید [۲].

1. Siddur

۲. «تنخ» (Tanakh) متن مقدس یهودیان که شامل تورات، کتاب‌های انبیا و مکتوبات می‌شود.

۳. «خاخام کوک» (Rav Kook یا Abraham Isaac Kook) از برجسته‌ترین و اثرگذارترین شخصیت‌های دینی یهودیت در سده بیستم است. از سال ۱۹۲۱ میلادی تا زمان مرگ، نخستین خاخام اعظم جامعه یهودی در سرزمین فلسطین اشغالی تحت قیمومت بریتانیا بود.

۴. مسئله «جنگ» در منابع الهیاتی سه جریان یهود



در این بخش به بررسی مفهوم «جنگ» در متون مؤثر بر سه جریان ذکر شده در جامعه رژیم صهیونیستی پرداخته خواهد شد. بر این اساس، کتب «تورات»، «پیامبران»، «تاریخ عهد عتیق» و «متون تفسیری و شریعت یهودی» مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱. روایت‌های «جنگ» در تورات

■ **سفر خروج، ۱۵ (خروج از مصر پس از شکست فرعون در نیل):** این بخش روایتی از یک رویارویی نظامی است که در آن بنی اسرائیل اصلاً نمی‌جنگند، بلکه خداوند برای آنها می‌جنگد. در پایان بنی اسرائیل می‌خوانند: «یهوه جنگ‌آور است و نام او یهوه است» [۴].

■ **سفر خروج، ۱۷: «عمالیق»** اولین قومی بود که پس از خروج، بنی اسرائیل را در «بیابان رفیدیم»^۲ مورد حمله قرار داد. موسی با بالا بردن دستان خود تا غروب آفتاب، بنی اسرائیل را یاری کرد و آنها همه عمالیقیان را نابود کردند. عمالیق نماد دشمنی مطلق با خدا در سنت یهودی است و دستور به نابودی آنها در شریعت آمده است [۴].

■ **سفر اعداد، ۱۳:** یهوه به موسی فرمان می‌دهد که جاسوسانی را به سرزمین کنعان بفرستد. آنان پس از چهل روز باز می‌گردند و آن سرزمین را پر از نعمات و خود را در برابر کنعانیان همچون ملخان تصویر می‌کنند. بنی اسرائیل با شنیدن قدرت کنعانیان ناامید می‌شوند و آرزو می‌کنند که کاش در مصر مانده بودند. یهوه بر آنان خشمگین می‌شود و آنان را با وعده چهل سال سرگردانی در صحرا، مجازات می‌کند. بخشی از یهودیان برای جبران مافات به کنعان حمله می‌کنند اما همگی کشته (تکه‌تکه) می‌شوند [۴].

■ **سفر اعداد، ۲۱:** بنی اسرائیل در مسیر حرکت خویش قصد می‌کنند تا از سرزمین اموریان در شرق رود اردن بگذرند. پیکی برای پادشاه آنان، «سیحون»^۳ می‌فرستند و اجازه عبور می‌گیرند. اما سیحون نمی‌پذیرد و با بنی اسرائیل وارد جنگ می‌شود. بنی اسرائیل اموریان را شکست می‌دهند و تمام سرزمین آنان را به تصرف خود در می‌آورند. بنی اسرائیل «شهر حشبون»^۴ را به آتش می‌کشند؛ سپس در سرزمین اموریان ساکن می‌شوند [۴].

■ **سفر اعداد، ۲۱:** پس از اموریان، این بار بدون فرستادن پیام، به نبرد با «سرزمین باشان»^۵ می‌روند. سپس «عوج»،^۶ پادشاه باشان و پسران او و قومش را می‌کشند و هیچ کس از آن قوم زنده نمی‌ماند و این سرزمین را نیز تصرف می‌کنند [۴].

■ **سفر اعداد، ۳۱ (نبرد با «مدیانیان» و «موآب»):** پادشاه با دیدن حملات قبلی بنی اسرائیل از آنان بیم‌ناک می‌شود و از مشایخ مدیانی کمک می‌خواهد. جنگی میان موآب و بنی اسرائیل رخ نمی‌دهد، اما دختران موآبی با بنی اسرائیل آمیزش می‌کنند و این باعث شیوع طاعون در میان آنان می‌شود. یهوه به موسی فرمان می‌دهد که از مدیانیان انتقام بگیرند. بنی اسرائیل همه مردان مدیانی را می‌کشند و زنان و گله‌ها و کودکان آنان را به اسارت می‌گیرند. موسی فرمان می‌دهد که از میان اسرا همه فرزندان پسر و زنان غیر باکره را هم بکشند و تنها دختران باکره را زنده نگه داشتند [۴].

■ **سفر اعداد، ۳۳:** در نزدیکی رود اردن پیش از عبور از آن، یهوه با موسی سخن می‌گوید و از او می‌خواهد که پس از رسیدن به کنعان، همه ساکنان آن را براند و تصاویر و مجسمه‌های آنان را نابود سازد و تمام مکان‌های مرتفع آنان را نابود کند و در کنعان به همراه بنی اسرائیل سکنی گزینند [۴].

۱. «عمالیق» (Amalek/עמלק) قومی باستانی هستند که در متون مقدس یهودی، به‌ویژه در تورات، به‌عنوان دشمن دیرین بنی اسرائیل معرفی شده‌اند. این قوم کوچ‌نشین بودند و در نواحی جنوب کنعان حضور داشتند. عمالقه نماد «شر و دشمنی بی‌رحمانه» با اسرائیل و به‌طور کلی نماد هر نیرویی است که علیه عدالت و مردم خداوند مقاومت می‌کند. در یهودیت سنتی، مبارزه با عمالقه نوعی وظیفه دینی و تاریخی برای مقابله با شر است.

2. Refidim/ רפידים

3. Sihon/ סיחון

4. Heshbon

5. Bashan/ באשן

6. Og/ עוג

7. Midianites/ מדיان

8. Moabites/ מואב



۲-۴. حدود سرزمینی بنی اسرائیل در تورات

تورات در بخش‌های مختلفی، حدود سرزمینی متفاوتی را برای بنی اسرائیل در نظر می‌گیرد. در سفر پیدایش (باب ۱۵)، عهدهی بین خداوند (یهوه) و ابراهیم بسته می‌شود که در آن تصریح شده است [۴]:

«در آن روز، یهوه با ابراهیم عهدهی بدین عبارات بست: این سرزمین را به اعقاب تو می‌دهم، از رود مصر تا رود بزرگ، رود فرات». سفر اعداد (باب ۳۴) به‌طور مشخصی مرزهای سرزمین وعده داده شده را معین می‌کند که شامل:

■ **مرز غربی:** دریای بزرگ (دریای مدیترانه)؛

■ **مرز شرقی:** دریاچه کینرت (دریای جلیل یا طبریا)، رود اردن و دریای نمک (بحر المیت)؛

■ **مرز جنوبی:** صحرای تسین، ادوم و وادی مصر؛

■ **مرز شمالی:** کوه هور، شهر حمات و چشمه‌های نزدیک به مرزهای لبنان و سوریه امروزی.

در سفر تثنیه ابتدا رود اردن به‌عنوان حد سرزمین بنی اسرائیل ذکر شده، اما در ادامه، عبور از رود اردن و فتح سرزمین‌ها تا حد رود فرات توصیه و تأکید شده است. متن چنین بیان می‌کند که هر مکانی که بنی اسرائیل پای بر آن بگذارد، به‌عنوان قلمروی آنان شناخته خواهد شد [۴]:

«چرا که اگر تمامی این فرمان‌ها را که بر شما می‌دهم به‌راستی نگاه دارید و به کار بندید و یهوه را دوست بدارید و در تمامی راه‌های او گام بردارید و بدو در آویزید، یهوه بر شما از تمامی این ملت‌ها سلب مالکیت خواهد کرد و شما از ملت‌هایی بزرگ‌تر و قدرتمندتر از خود سلب مالکیت خواهید کرد. هر مکانی که کف پای‌تان بر آن نهاده شود، از آن شما خواهد بود؛ قلمروتان از صحرا و لبنان و رود (یعنی رود فرات)، تا دریای باختری گسترده خواهد شد. کسی برابر شما ایستادگی نخواهد کرد».^۱

در بخش دیگری، عبور از رود اردن و فتح سرزمین‌های فراتر به‌عنوان هدفی راهبردی مطرح شده است:

«آن‌گونه عمل نکنید که امروز ما در اینجا عمل می‌کنیم؛ هر کس آنچه در نظرش نیکو است انجام می‌دهد. زیرا هنوز به سکونتگاه و میراثی که یهوه، خدایت بر تو دهد، نرسیده‌اید. از رود اردن خواهید گذشت و در سرزمینی منزل خواهید کرد که یهوه خدایتان همچون میراث بر شما دهد؛ شما را در امان، از جمله دشمنان پیرامون‌تان سکنی خواهد داد و منزلگاهی امن خواهید داشت».^۲

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حدود سرزمینی وعده داده شده در تورات برای بنی اسرائیل، از شرق شامل رود فرات تا غرب به دریای مدیترانه و با در نظر داشتن مرزهای شمالی و جنوبی متغیر است.

۳-۴. «احکام جنگ» در تورات

اغلب آموزه‌های مرتبط با بایدها و نبایدهای جنگ از سفر تثنیه، باب ۲۰، قابل استخراج بوده که اهم آنها به‌شرح زیر است [۴]:

■ **پیشنهاد صلح به شهرهای دور دست**

«هنگام نزدیک شدن به شهری برای جنگ، ابتدا باید به آن شهر پیشنهاد صلح داده شود. چنانچه شهروندان پذیرفتند و دروازه‌های خود را گشودند، تمامی اهالی شهر موظف به خدمت و کار برای فاتح خواهند بود. اما در صورت رد پیشنهاد صلح، شهر به محاصره درآمده و مردان آن به قتل می‌رسند. زنان، کودکان، احشام و اموال شهر به‌عنوان غنیمت محسوب می‌شوند».

■ **رفتار با شهرهای داخل سرزمین موعود**

رفتار با شهرهای داخل سرزمین موعود، سیاست جنگی نسبت به سایر شهرها سخت‌گیرانه‌تر است؛ دستور صریح است که «هیچ موجود زنده‌ای از آن شهر باقی نگذار» [۴].

■ **ممنوعیت تخریب درختان میوه**

در زمان محاصره طولانی مدت یک شهر هنگام جنگ، تخریب درختان بارده منع شده است؛ زیرا آنها منبع حیات و ادامه زندگی محسوب

۱. سفر تثنیه ۱۱.

۲. سفر تثنیه ۱۲.

می‌شوند و نابودی آنها به مثابه ویرانی بی‌منطق قلمداد می‌شود [۴].

■ معافیت‌های خاص در جنگ

تورات برای گروه خاصی از افراد معافیت حضور در میدان جنگ قائل است، از جمله: کسانی که خانه نو ساخته‌اند، ولی مستقر نشده‌اند، اشخاصی که تاختستان تازه کاشته‌اند، افرادی که تازه ازدواج نموده‌اند و کسانی که دچار ترس و اضطراب شده و حضورشان ممکن است روحیه سایر رزمندگان را تضعیف کند [۴].

■ مقررات اسیران زن در جنگ (باب ۲۱ تنبیه)

مطابق با این بخش، اسیران زن اجازه دارند تا ۳۰ روز عزاداری کنند و پس از آن می‌توانند با فاتح رابطه برقرار کنند. فروش این زنان ممنوع است و پس از پذیرش، آنان می‌توانند آزادانه خانواده و سرزمین خود را ترک کنند.

■ احکام حفظ پاکیزگی در اردوگاه جنگی (باب ۲۳ تنبیه)

دستورالعمل‌هایی سخت‌گیرانه برای حفظ پاکیزگی و بهداشت در اردوگاه‌های نظامی وضع شده که هدف آن جلوگیری از آلودگی، حفظ نظم، و سلامت نیروهای جنگی است.

۴-۴. «جنگ» در کتب پیامبران

کتب انبیا از منظر تاریخی مجموعه گسترده‌ای از جنگ‌ها را گزارش کرده‌اند که تعداد آنها بیش از بیست مورد است. این جنگ‌ها را می‌توان به چند دسته عمده تقسیم کرد [۵]:

■ نبرد فتح کنعان و پاک‌سازی کامل ساکنان آن،

■ نبردهای منطقه‌ای و دفاعی در برابر حملات اقوام هم‌جوار،

■ جنگ‌های مداوم با فلسطینیان در دوران شاول و داوود،

■ جنگ‌های داخلی و فرایند سقوط سیاسی و اجتماعی،

■ جنگ در برابر امپراتوری‌های منطقه‌ای؛ شامل امپراتوری آرامی، آشور و نهایتاً سقوط در برابر امپراتوری بابل.

شایان ذکر است که در بسیار از این جنگ‌ها، رویکردی فعالانه برای ارائه پیشنهاد صلح مشاهده نمی‌شود. با این وجود، استثناهایی نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که در کتاب یوشع، «جبعونی‌ها»^۱ به عنوان تنها نمونه، پیشنهاد صلح ارائه می‌دهند که این پیشنهاد مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^۲ همچنین در «کتب پادشاهان»^۳ به ویژه در دوران حکومت سلیمان، موارد متعددی از انعقاد صلح ثبت شده است.

۴-۵. رفتار با بازماندگان

رفتار اقوام بنی‌اسرائیل در جنگ‌ها، بسته به شرایط و زمان‌های مختلف، متفاوت بوده است. یکی از مهم‌ترین فرمان‌های جنگی، دستور «حرم»^۴ است که به معنای نابودی کامل و مطلق یک قوم یا شهر است. این فرمان به اقوامی مانند «حیتی‌ها»^۵، «اموری‌ها»^۶، «کنعانی‌ها»^۷، «فرزی‌ها»^۸

۱. جبعون (Gibeonites/גִּבְעוֹנִים) شهری بود در نزدیکی کوه‌های یهودیه، در سرزمین کنعان.

۲. این صلح مطابق فرمان خدا نبود؛ بلکه جبعونی‌ها یوشع و یارانش را فریب دادند و از آنها سوگند به نام خدا گرفتند که با جبعونی‌ها کاری نداشته باشند و آنها را نکشند. به این اعتبار که جزو اقوام دوردست هستند، نه در آن منطقه که باید همه شهرهایش به تصرف بنی‌اسرائیل درمی‌آمد.

3. The Book of Kings

۴. «حرم» (חָרַם) یا کسره «حاء» و «راء» همان «حرام» عربی است؛ یعنی همه چیز این شهر حرام است. برده گرفتن حرام است، کنیز گرفتن حرام است، غنیمت برداشتن حرام است، از گوشت حیوانات یا میوه درختان آنجا استفاده کردن حرام است و همه باید نابود شوند.

5. Hittites

6. Amorites

7. Canaanites

8. Perizzites



«حَوّی‌ها»،^۱ «یَبُوسِی‌ها»^۲ و «جِر جاشی‌ها»^۳ در دوران یوشع اطلاق شده است. در کتاب یوشع، «شهر اریحا»^۴ نمادین‌ترین نمونه اجرای فرمان حَرَم به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کس اجازه نداشت هیچ غنیمتی از آنجا بردارد، تمامی ساکنان و حیوانات کشته شدند و شهر به آتش کشیده شد. همین فرمان در مورد شهرهای متعلق به کنعانی‌ها مانند «مَقِیْدَه»^۵، «لِبْنَه»^۶، «لَاخِیش»^۷، «عِجْلون»^۸، «حَبرون»^۹ و «حاصور»^{۱۰} نیز توسط ارتش یوشع اجرا شده است [۴]. در زمان پادشاهی «شائول»^{۱۱} این فرمان نابودی کامل برای قوم عمالیق صادر شد. این فرمان سخت‌گیرانه تأکید دارد که نه تنها مردان، بلکه زنان، کودکان و حتی حیوانات خانگی و کارگاهی آن اقوام نیز باید به‌شکل کامل نابود شوند. اقوامی که مشمول نابودی کامل نبودند یا به‌طور کامل از بین نرفتند، پس از شکست معمولاً به‌صورت خراج‌گزار درآمده و ملزم به پرداخت مالیات‌های سنگین یا انجام کار اجباری می‌شدند. برای مثال، در دوران پادشاهی داوود، پس از پیروزی‌های او بر موآبی‌ها، آرامی‌ها و آدومی‌ها، این اقوام تحت سلطه درآمده و موظف به پرداخت خراج سالانه شدند.^{۱۲} همچنین پادشاه سلیمان، بازماندگان اقوام کنعانی را در طرح‌های ساختمانی خود به کار اجباری گماشت. در آن دسته از جنگ‌ها که فرمان «حَرَم» صادر نشده بود، اموال و دارایی‌های دشمن از جمله طلا، نقره و دام‌ها به‌عنوان غنیمت جنگی میان سربازان، معبد و مردم تقسیم می‌شد. در مواردی نیز زنان و کودکان به‌عنوان اسیر گرفته می‌شدند و در شرایط خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^{۱۳}

۶-۴. امر «جاسوسی»^{۱۴}

جاسوسی و گردآوری اطلاعات نظامی در متون مقدس یهود و فرهنگ الهیات این دین، سابقه‌ای دیرینه و روشن دارد و عموماً به‌عنوان عملی مشروع، ضروری و کارآمد در زمان جنگ مورد پذیرش است. در الهیات یهودی، اتکای صرف بر معجزه کافی شمرده نمی‌شود و انسان‌ها موظف‌اند تلاش عملی خود^{۱۵} را به کار گیرند، که این تلاش شامل کسب اطلاعات از دشمن نیز می‌شود. برخی از مهم‌ترین نمونه‌ها و مفاهیم مرتبط با جاسوسی در متون یهودی عبارت‌اند از:

■ ماجرای دوازده جاسوس موسی

در بخش‌هایی از تورات که به این موضوع اشاره شده، موسی دوازده تن را به سرزمین کنعان می‌فرستد تا اطلاعات نظامی و راهبردی جمع‌آوری کنند. این عملیات اطلاعاتی از اهمیت بالایی برخوردار است و نقشی کلیدی در روند فتح سرزمین ایفا می‌کند [۴].

■ جاسوسان یوشع در شهر اریحا

مطابق با «سفر یوشع»، در فصل دوم، یوشع بن‌نون پیش از آغاز حمله به شهر اریحا، دو جاسوس را به‌صورت مخفیانه به این شهر می‌فرستد. آنان در خانه زنی به نام «راحاب» که به‌عنوان یک فاحشه شناخته می‌شود، پنهان می‌گردند. تنها به او و خانواده‌اش امان داده می‌شود، اما در نهایت شهر به آتش کشیده می‌شود. این مأموریت اطلاعاتی به‌طور کامل موفقیت‌آمیز و مورد تأیید متون دینی است [۴].

■ جاسوسی در دوره پادشاهان (داوود و دیگران)

در کتب پیامبران (نویسیم)،^{۱۶} استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی توسط پادشاهان مانند داوود بارها ذکر شده است. داوود از جاسوسان و خبرچینان

1. Hivites
2. Jebusites
3. Gergashites
4. Jericho/ יְרִיחוֹ
5. Makkedah
6. Libnah
7. Lachish
8. Eglon
9. Hebron
10. Hazor

۱۱. «شائول» (שאול/Sha'ul) نخستین پادشاه بنی‌اسرائیل براساس روایت عهد عتیق است. پیش از او قوم توسط «داوران» رهبری می‌شد و او ساختار سلطنت را پایه‌گذاری کرد.

۱۲. کتاب دوم سموئیل. ۸-۲.

۱۳. بخش‌های متعددی از کتاب یوشع و همین‌طور سموئیل به اسیرگیری زنان و کودکان اشاره کرده‌اند.

14. Meraglim/ מְרַגְלִים
15. Hishtadlut
16. Nevi'im

برای فرار از دست شائول و همچنین در جریان جنگ‌های خود با اقوام مختلف بهره می‌برد.

۴-۷. «جنگ» در کتب تاریخ

در بخش «کتاب‌های تاریخی عهد عتیق»^۱ جنگ‌های زیادی روایت شده است [۶]. بخش کتب تاریخ که با هدف روایت تاریخی از حوادث پس از موسی نوشته شده‌اند، در مقایسه با کتب پیامبران شامل انگاره‌های الهیاتی کمتری هستند [۵]. این کتاب‌ها معمولاً از یوشع تا «استر»^۲ را شامل می‌شوند. روایت جنگ‌ها بیشتر حوادث ذکر شده در این کتب را تشکیل می‌دهند. تعداد این جنگ‌ها بیش از ۴۰ مورد است و در سه دوره رخ می‌دهند:

■ فتح سرزمین کنعان (کتاب یوشع)،

■ دوره داوران و درگیری‌های قبایل (کتاب داوران)،

■ دوره پادشاهان اسرائیل و یهودا و جنگ با قدرت‌های منطقه‌ای («سموئیل»^۳، پادشاهان، تواریخ).

در کتب تاریخ در برخورد با بازماندگان علاوه بر فرمان حرم که نابودی کامل را به همراه داشت، روایت‌هایی از بردگی و بیگاری، شکنجه، اسارت و تبعید و در مواردی خاص، ادغام و ازدواج نیز وجود دارد. دوره‌هایی از صلح نیز در این کتب وجود دارند.

۴-۸. «جنگ» در تلمود و کتب شریعت

۴-۸-۱. انواع «جنگ»

खाخام‌های یهودی با توجه به تلمود، جنگ‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند: «جنگ‌های تکلیفی»^۴ که مستقیماً فرمان خدا بوده‌اند (مثل دفاع از خود یا جنگ با اقوام خاصی در دوران باستان مانند عمالیق) و «جنگ‌های اختیاری»^۵ که برای گسترش قلمرو بوده‌اند [۴]. تعاریف جنگ‌های تکلیفی و اختیاری در تلمود^۶ و توسط ابن میمون^۷ و در کتاب «میشنه تورا»^۸ در بخش قوانین پادشاهان و جنگ‌هایشان به تفصیل بیان شده است [۴]:

■ «جنگ تکلیفی»: جنگی که از نظر شریعت واجب است. شامل سه مورد است: ۱. جنگ برای دفاع از اسرائیل در برابر حمله دشمن؛ ۲. جنگ برای نابودی قوم عمالیق (یک دستور تاریخی) و ۳. جنگ برای فتح سرزمین اسرائیل (در زمان یوشع بن نون).

■ «جنگ اختیاری»: جنگی که برای گسترش مرزها یا اهداف اقتصادی انجام می‌شود و نیاز به مجوز «سنه‌درین»^۹ (دادگاه عالی ۷۱ نفره) دارد. براساس تفاسیری که جریان خریدی از تلمود و وضعیت کنونی رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد، چون دولت کنونی رژیم صهیونیستی یک دولت سکولار است، امکان آغاز جنگ اختیاری را نداشته و تنها می‌تواند براساس «قاعده حفظ جان» (که در ادامه ذکر می‌شود) دست به جنگ تکلیفی در دفاع از اسرائیل بزند.

1. Historical Books
2. Esther
3. Samuel
4. Milchemet Mitzvah
5. Milchemet Reshut

۶. در این بخش از تلمود، تفاوت میان جنگ اختیاری و جنگ تکلیفی بیان شده است. میشنا (متن پایه تلمود) صراحتاً می‌گوید که در زمان جنگ تکلیفی تمام معافیت‌های سربازی لغو می‌شود و «حتی داماد از حجله‌اش و عروس از سایبان عروسی‌اش» باید برای جنگ خارج شوند.

۷. موسی بن میمون (Moses ben Maimon) که در سنت یهودی به اختصار «رامبام» (Rambam) نیز نامیده می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین فلاسفه، پزشکان و فقیهان (खाخام‌های) تاریخ یهودیت در قرون وسطی (قرن دوازدهم میلادی) است. او در اندلس (اسپانیای امروزی) متولد شد و بخش عمده عمر خود را در مصر گذراند و حتی پزشک دربار صلاح‌الدین ایوبی بود. مهم‌ترین کتاب فقهی (هلاخایی) او «میشنه تورا» (Mishneh Torah) نام دارد. این کتاب یک دایره‌المعارف کامل، نظاممند و بی‌نظیر از تمام قوانین و احکام شرعی یهودیت است که به زبان عبری نوشته شده است. در بخش آخر از این کتاب، ابن میمون قوانین مربوط به وظایف حکومت و انواع جنگ‌ها (تکلیفی و اختیاری) را از منظر شریعت یهود دسته‌بندی و تدوین کرده است. این بخش همچنان یکی از مهم‌ترین منابع فقهی در یهودیت برای بررسی مسائل مربوط به جنگ محسوب می‌شود. یکی از مصادیق بارز جنگ تکلیفی در فقه ابن میمون، «نجات دادن اسرائیل از دست دشمنی است که به آنها حمله کرده است».

8. Mishnah Torah

۹. سنه‌درین (Sanhedrin) نام شورای عالی قضایی و مذهبی یهودیان در زمان‌های باستان، به‌ویژه در دوران معبد دوم و دوره‌های بعدی است. این شورا نقش بسیار مهمی در نظام قضایی، دینی و سیاسی یهودیان تحت حکومت هخامنشیان، سلوکیان، رومیان و حتی در آغاز قرون وسطی ایفا می‌کرد.



۲-۸-۴. سنت تلمودی «سه سوگند»^۱

براساس یک سنت تلمودی با نام «سه سوگند» برمبنای رساله «کتوبوت»^۲ (۱۱۱a) در تلمود، خداوند پیش از تبعید یهودیان، سه سوگند از جهان گرفت [۴]:

۱. یهودیان به‌طور دسته‌جمعی و با زور به سرزمین اسرائیل بازنگردند.

۲. یهودیان علیه ملت‌های جهان شورش نکنند.

۳. ملت‌های جهان یهودیان را بیش از حد تحت ستم قرار ندهند.

۳-۸-۴. اصول فقهی دفاع مشروع در شریعت یهود

■ اصل «حفظ جان»^۳

در بنیادهای هلاخایی شریعت یهود [۸]، اصل «حفظ جان» اهمیت بسیار بالایی دارد و نجات جان انسان به‌طور معناداری بر اکثر قوانین دیگر تورات تقدم دارد. این اصل بر این مبنا استوار است که جان انسانی از ارزش والایی برخوردار و حفظ آن اولویت اصلی است، حتی اگر مستلزم نقض برخی احکام شرعی در شرایط اضطراری باشد [۸].

■ قانون «مهاجم-تعقیب‌کننده»^۴

این قانون در تلمود، به‌ویژه در رساله سنهدرین مورد بحث قرار گرفته است و براساس آیه‌ای از «سفر لاویان»^۵ (باب ۱۹، آیه ۱۶) مستدل می‌شود که می‌گوید: «بر خون همسایه‌ات بی تفاوت نیست» [۴]. مطابق با این قاعده، اگر شخصی قصد آسیب رساندن یا کشتن فردی را داشته باشد، دیگران موظف‌اند برای جلوگیری از این عمل متجاوزانه وارد عمل شوند. این وظیفه شرعی حتی اگر مستلزم کشتن مهاجم برای متوقف کردن او باشد، الزامی است. از این رو، توقف مهاجم نه تنها یک حق دفاعی بلکه یک تکلیف الهی برای حفظ جان است. جریان حریدی براساس این دو اصل، درگیری‌های نظامی را نه به عنوان جنگ‌های مقدس، بلکه به عنوان اقداماتی امنیتی و الزام آور برای دفع تهدیدات و حفظ امنیت جامعه تفسیر و توجیه می‌کند.

۴-۸-۴. نقش «دعا»، «توبه» و «قرائت تورات» در پیروزی‌های نظامی در چارچوب الهیات یهود

در متون مقدس یهودی از جمله تلمود و «کتاب زوهر»^۶ و به‌طور ویژه در رساله‌های «براخوت»^۷ و «تعنیت»^۸ آمده است که پس از تخریب معبد، «دروازه‌های دعا هرگز بسته نشده‌اند». این مفهوم بیانگر باور عمیق به نقش مؤثر نیایش و ارتباط معنوی با خداوند در روند رخدادهای دنیوی، به‌ویژه در زمینه جنگ و پیروزی است.

براساس این آموزه‌ها، پیروزی‌های نظامی نه صرفاً حاصل اقدامات زمینی و تلاش‌های مادی، بلکه نتیجه مستقیم دعا، قرائت مستمر تورات و توبه جمعی جامعه یهودی است. این دیدگاه مؤکد می‌دارد که جنگ‌های واقعی در آسمان‌ها جریان دارند و نبردهای زمینی معلول این جنگ‌های معنوی آسمانی هستند [۸].

جریان حریدی، برمبنای این باور، جایگاه ویژه‌ای برای دانشجویان مدارس مذهبی (یشیواها) قائل است و آنها را به عنوان «لشکر معنوی»^۹ اسرائیل می‌داند. این گروه با استناد به کتاب یوشع (فصل ۱، آیه ۸) که می‌گوید: «این کتاب تورات را از دهان خویش دور مساز و شب و روز در آن بیندیش، تا در حفظ و انجام همه آنچه در آن نوشته شده، موفق باشی» بر این باورند که منبع اصلی قدرت و پیروزی ملت اسرائیل ناشی از همان تعهد و دانش عمیق به تورات است که توسط این یشیواها به‌طور مستمر حفظ و تقویت می‌شود.

1. Shalosh Shevuot

2. Ketubot

3. Nefesh

4. Din Rodef

5. Book of Leviticus

6. Zohar/ זוהר

7. Berakhot/ بרכות

8. Ta'anit/ תענית

9. Tzva HaTorah/ צבא התורה



۵. جریان‌های سیاسی مؤثر در رژیم صهیونیستی تا چه میزان متأثر از الهیات یهودی هستند؟

۱-۵. ایدئولوژی صهیونیسم مذهبی

مکتب فکری خاخام ابراهیم اسحاق کوک و فرزند او، «خاخام تزوی یهودا کوک»،^۱ به عنوان پایه و اساس ایدئولوژی صهیونیسم مذهبی یا مذهبی‌های ملی گراها شناخته می‌شود. این مکتب دیدگاهی کاملاً متمایز و توسعه یافته نسبت به تفسیرهای خریدی از متون تلمود و تورات ارائه می‌دهد که بر مشروعیت و قداست ذاتی درگیری‌های نظامی معاصر و نقش ارتش رژیم صهیونیستی تأکید دارد [۹]. توجیهات الهیاتی کلی این مکتب مبتنی بر چند بنیان اساسی است:

■ دولت رژیم صهیونیستی به عنوان «آغاز رستگاری»^۲

خاخام کوک تأسیس دولت رژیم صهیونیستی در دوران معاصر را آغاز رستگاری نهایی و ظهور «ماشیح»^۳ (مسیحای موعود) می‌داند [۹]. براساس این نظریه، حتی اگر رهبری سیاسی نظامی رژیم صهیونیستی سکولار باشند، آنان به طور غیر آگاهانه ابزار اراده خداوند برای پیشبرد تاریخ به سوی تحقق وعده‌های الهی هستند. بنابراین، جنگ‌های جاری دولت رژیم صهیونیستی نه صرفاً نزاع‌های سیاسی-نظامی، که مراحل از تحقق تدریجی رستگاری به شمار می‌آیند [۹].

■ گسترش مفهوم «جنگ تکلیفی»^۴

برخلاف دیدگاه جریان خریدی که جنگ تکلیفی را در زمان معاصر، محدود یا منتفی می‌دانند، مکتب کوک با اتکای بر آرای «نحمانیدس»^۵ معتقد است که حضور یهودیان در سرزمین فلسطین اشغالی و تلاش برای تصرف و حفظ آنها یک فرمان الهی همیشگی است [۹]. از نظر آنان، هر اقدام نظامی به منظور دفاع از جان یهودیان، حاکمیت یهود بر سرزمین مقدس و جلوگیری از تصرف سرزمین، یک «جنگ تکلیفی» بلامنازع بوده و مشارکت در آن از نظر شرع واجب است [۹].

■ قداست ارتش و سربازی (ارتش خداوند)

این مکتب، ارتش رژیم صهیونیستی^۶ را نه یک نهاد صرفاً سکولار، بلکه تجلی قدرت الهی و «ارتش پروردگار»^۷ بر روی زمین می‌داند [۹]. خاخام تزوی یهودا کوک به صراحت به قداست ابزارهای نظامی ارتش و ارزش معنوی خدمت نظامی اشاره می‌کند و خدمت در ارتش را بخشی از فرایض مذهبی (میتزوت)^۸ تلقی می‌کند که مکمل فعالیت‌های دینی همچون قرائت تورات است [۹].

■ مفهوم فداکاری برای «کلیت قوم اسرائیل»

خاخام کوک بر وجود روح جمعی و الهی در ملت یهود تأکید دارد. وی ارتقا و حفظ این کلیت را هدفی مقدس می‌داند و جنگیدن و حتی شهادت در راه دفاع از آن را عملی معنوی و بالارزش می‌شمارد که موجب نزدیکی فرد به خدا و مقام شهادت می‌شود [۹].

1. Tzvi Yehuda Kook

2. תקומה

3. Mashiach/ משיח

۴. به معنای «مسیحای موعود» است که یک فرد انسانی و رهبر نهایی است. او قرار است در آینده بیاورد تا قوم یهود و جهان را نجات دهد و عصر صلح، عدالت و تجدید عهد خداوند را به ارمغان آورد.

5. Milchemet Mitzvah

6. רמב"ל

7. IDF

8. Tzva HaShem/ צבא ה'

9. Mitzvot/ מצוות



■ در دسرهای «زایمان مسیحا»^۱

مکتب کوک چالش‌ها، جنگ‌ها و تلفات نظامی را به مثابه «دردهای زایمان» تعبیر می‌کند؛ یعنی رنج‌ها و درگیری‌های اجتناب‌ناپذیری که پیش از ظهور نهایی مسیح و استقرار کامل حکومت الهی باید تحمل شود. این مفهوم نقش مهمی در حفظ روحیه دینی جامعه و توجیه فداکاری‌های نظامی دارد [۹].

■ تلفیق «کتاب و شمشیر»^۲ در «مدارس هسدر»^۳

یکی از ابتکارات مهم ایدئولوژیک مکتب کوک، ترویج نظام آموزشی «یشیوات هسدر»^۴ است که ترکیبی از خدمت نظامی و تحصیلات دینی به‌شمار می‌رود. در برابر دیدگاه حریدی مبنی بر معافیت از سربازی برای طلاب تورات، این نظام آموزشی تأکید می‌کند که خدمت در جنگ تکلیفی نه تنها مزاحم قرائت تورات نیست، بلکه خود تجلی عملی و بالاترین شکل اجرای تورات است. یعنی جوان مذهبی باید هم‌زمان سلاح به‌دست گیرد و در مطالعات دینی پیشرفت کند [۹].

۲-۵. متفکران و خاخام‌های لیبرال یهودی

در کنار جریان‌های حریدی سنتی و ملی صهیونیسم دینی، جریان‌هایی با رویکردهایی کاملاً متفاوت به متون مذهبی نیز وجود دارند که شامل جریان‌های اصلاح‌طلب، محافظه‌کار و ارتدوکس‌های مدرن و همچنین فلاسفه اخلاق مانند «مایکل والزر»^۵ و «موشه هالبرتال»^۶ می‌شوند. آنها خوانشی گزینشی و اخلاق‌محور از سنت یهود ارائه می‌دهند تا آن را با ارزش‌های دمکراتیک، حقوق بشر و نظریه مدرن «جنگ عادلانه»^۷ همسو کنند. این پیوند میان سنت الهیاتی و حقوق بین‌الملل از طریق بازتفسیر مفاهیم زیر انجام می‌شود:

■ مفهوم «بتسيلم الوهيم»^۸ و حقوق غیر نظامیان

بنیادی‌ترین اصل در اخلاق لیبرال یهودی، آیه «سفر پیدایش»^۹ است که می‌گوید انسان «در تصویر خداوند»^{۱۰} آفریده شده است. متفکران لیبرال این اصل را به تمام انسان‌ها (از جمله دشمنان و غیر نظامیان طرف مقابل) بسط می‌دهند. بر این اساس، قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه (مانند «کنوانسیون‌های ژنو»^{۱۱}) که بر تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان تأکید دارند، نه تنها یک قانون سکولار، بلکه تجلی امروزی احترام به تصویر خداوند در انسان‌ها تلقی می‌شوند.

■ دکترین «خلوص سلاح»^{۱۲}

این مفهوم که در دهه‌های ابتدایی تأسیس رژیم صهیونیستی تدوین شده است و ریشه در اخلاق مذهبی-سکولار دارد، به‌شدت مورد حمایت متفکران لیبرال است. این دکترین، معادل مفهوم «عدالت در حین جنگ»^{۱۳} در حقوق بین‌الملل است و تأکید می‌کند که نیروی نظامی تنها باید برای مأموریت‌های ضروری استفاده شود، سلاح نباید برای انتقام‌جویی به کار رود و حفظ جان انسان‌ها (حتی دشمنان غیر نظامی) یک وظیفه اخلاقی است [۱۰].

1. Ke'evé Mashiach / קאָבֿי משיח

2. HaTorah veHaCherev / התורה והחרב

3. Hesder

4. Yeshivat Hesder

5. Michael Walzer

6. Moshe Halbertal

۷. شامل سه بخش اصلی است: الف) عدالت در آغاز جنگ: مثل دلیل عادلانه، آخرین چاره، احتمال موفقیت؛ ب) عدالت در حین جنگ: مثل تفکیک مبارزان نظامی و غیر نظامی، رفتار انسانی با اسرا؛ ج) عدالت پس از جنگ: مثل صلح پایدار و بازسازی.

8. B'Tselem Elohim

9. Genesis / בראשית

10. Be-tzelem Elohim / בצֶלֶם אֱלֹהִים

۱۱. «کنوانسیون ژنو» (Geneva Conventions) مجموعه‌ای از معاهدات بین‌المللی‌اند که برای حفاظت از افراد غیر نظامی، مجروحان، اسیران جنگی و دیگر افراد در زمان جنگ تنظیم شده‌اند. این کنوانسیون‌ها پایه و اساس حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را تشکیل می‌دهند.

12. Tohar HaNeshek

13. Jus in bello

■ باز تعریف «جنگ تکلیفی» منطبق با ماده (۵۱) منشور سازمان ملل

متفکران لیبرال، تفسیر مکتب کوک از فقه ابن میمون و نحمانیدس (که فتح سرزمین را توجیه می‌کرد) را رد می‌کنند. آنها مفهوم جنگ تکلیفی را به‌طور انحصاری به «دفاع مشروع در برابر تجاوز قریب‌الوقوع یا حمله مستقیم» محدود می‌کنند [۱۰].

۶. باز تاب الهیات در تحولات نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی

بررسی تحولات پس از عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که اگرچه تصمیم‌گیری‌های امنیتی و نظامی اسرائیل تابع مجموعه‌ای از متغیرهای امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی و بین‌المللی است، اما در بخشی از گفتمان سیاسی و مذهبی، برخی مفاهیم و استدلال‌های دینی نیز برای تبیین تهدید، مشروعیت بخشی به استمرار جنگ یا دفاع از برخی سیاست‌های سرزمینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در عین حال، بررسی مواضع خاخام‌ها و سازمان‌های یهودی نشان می‌دهد که این رویکرد، دیدگاه واحد و اجماعی در میان همه جریان‌های یهودی نیست و طیف متنوعی از قرائت‌های الهیاتی درباره جنگ، صلح و مسئولیت اخلاقی وجود دارد [۱۱-۱۳].

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز این اختلاف، جنگ غزه پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. رسانه‌های معتبر بین‌المللی گزارش کرده‌اند که بخشی از جریان‌های صهیونیسم مذهبی و برخی رهبران مذهبی نزدیک به این جریان، عملیات نظامی گسترده علیه حماس را در چارچوب دفاع از موجودیت اسرائیل و حفاظت از جامعه یهودی تفسیر کرده‌اند. در مقابل، طیفی از خاخام‌های اصلاح‌طلب، بازسازی گرا و حتی برخی خاخام‌های ارتدوکس، با استناد به اصولی مانند پیکواخ نفش (حفظ جان انسان)، ضرورت حمایت از غیرنظامیان و مسئولیت اخلاقی در جنگ، خواستار آتش‌بس، افزایش کمک‌های بشردوستانه یا محدود شدن دامنه عملیات شده‌اند. این شکاف نشان می‌دهد که سنت یهودی، برخلاف تصور رایج، تنها یک قرائت از جنگ ارائه نمی‌کند [۱۱-۱۳].

برای نمونه، واشنگتن پست^۱ گزارش کرده است که گروهی از خاخام‌های آمریکایی با تشکیل ائتلاف «خاخام‌ها برای آتش‌بس»^۲ و مشارکت در تجمعات اعتراضی در واشنگتن، خواستار توقف درگیری‌ها و افزایش کمک‌های انسانی به غزه شدند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که در میان رهبران دینی یهود، درباره نسبت میان امنیت اسرائیل، آزادی گروگان‌ها، مسئولیت اخلاقی و رنج غیرنظامیان فلسطینی اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. برخی خاخام‌ها از ادامه عملیات نظامی دفاع کرده‌اند، برخی آن را برای امنیت اسرائیل ضروری دانسته‌اند و برخی دیگر ادامه جنگ را از منظر اخلاق یهودی مورد انتقاد قرار داده‌اند [۱۱ و ۱۲].

در همین راستا، خبرگزاری آسوشیتدپرس^۳ نیز گزارش داده است که بیش از هزار نفر از روحانیون و رهبران دینی یهودی در آمریکا، ضمن تأکید بر حق امنیت اسرائیل، خواستار افزایش گسترده کمک‌های بشردوستانه به غزه شدند و هشدار دادند که تداوم بحران انسانی می‌تواند پیامدهای اخلاقی و سیاسی جدی برای اسرائیل به همراه داشته باشد. در این گزارش، مواضع نهادهایی مانند کمیته یهودیان آمریکا^۴، مجمع خاخام‌ها^۵ و اتحادیه ارتدکس^۶ نیز منعکس شده است که بر ضرورت کاهش رنج غیرنظامیان و تسهیل دسترسی کمک‌های انسانی تأکید کرده‌اند [۱۳].

از سوی دیگر، خبرگزاری رویترز^۷ در جریان مذاکرات مربوط به توافق آزادی گروگان‌ها در سال ۲۰۲۴ گزارش داد که حتی احزاب مذهبی شاس و یهودیت متحد توراتی نیز با استناد به اصل دینی پیکواخ نفش (الزام حفظ جان انسان)، از توافقی که می‌توانست به توقف موقت جنگ

1. Washington Post
2. Rabbis for Ceasefire
3. Associated Press
4. American Jewish Committee
5. Rabbinical Assembly
6. Orthodox Union
7. Reuters



و آزادی گروگان‌ها بینجامد حمایت کردند، هر چند بخشی از جریان‌های راست افراطی با آن مخالفت داشتند [۱۴]. این نمونه نشان می‌دهد که حتی در میان جریان‌های مذهبی نزدیک به دولت نیز، برداشت‌های متفاوتی از نحوه ترجیح ارزش‌های دینی در شرایط جنگی وجود دارد و الهیات لزوماً به یک نتیجه سیاسی واحد منتهی نمی‌شود.

موضوع شهرک‌سازی نیز یکی دیگر از حوزه‌هایی است که در آن، برخی جریان‌های صهیونیسم مذهبی از مفاهیم دینی برای دفاع از مواضع سیاسی خود بهره می‌گیرند. در ادبیات این جریان‌ها، استناد به «سرزمین موعود» یا «حق تاریخی یهودیان بر سرزمین اسرائیل» در کنار استدلال‌های امنیتی برای حمایت از توسعه شهرک‌ها به کار می‌رود. با این حال، نسبت این دیدگاه‌ها با سیاست رسمی دولت همواره یکسان نبوده و به ترکیب ائتلاف‌های سیاسی، احکام دیوان عالی، ملاحظات امنیتی و فشارهای بین‌المللی نیز وابسته بوده است. از این رو، نمی‌توان تمامی سیاست‌های شهرک‌سازی را صرفاً محصول الهیات دانست؛ بلکه این سیاست‌ها در تعامل میان عوامل ایدئولوژیک، سیاسی، حقوقی و امنیتی شکل گرفته‌اند [۱۱ و ۱۳].

برایند این شواهد نشان می‌دهد که الهیات در تحولات معاصر اسرائیل عمدتاً در سه سطح قابل مشاهده است: نخست، در سطح گفتمانی که طی آن برخی رهبران مذهبی یا سیاسی از مفاهیم دینی برای تفسیر تهدید، سرزمین یا جنگ استفاده می‌کنند؛ دوم، در سطح مشروعیت بخشی بخشی از سیاست‌ها یا مواضع سیاسی با استدلال‌های دینی تقویت می‌شوند؛ و سوم، در سطح رقابت‌های سیاسی که احزاب مذهبی می‌کوشند این قرائت‌ها را در فرایند سیاست‌گذاری وارد کنند. با این حال، شواهد موجود نشان نمی‌دهد که تصمیمات نظامی اسرائیل صرفاً بر پایه آموزه‌های دینی اتخاذ نمی‌شوند؛ بلکه این تصمیمات در تعامل با محاسبات اطلاعاتی، ملاحظات راهبردی، ساختار ائتلافی دولت، فشارهای بین‌المللی و ارزیابی‌های امنیتی شکل می‌گیرند [۱۶-۱۴].

بنابر آنچه بیان شد، می‌توان مبانی الهیاتی، سطح اثرگذاری و گفتمان مربوط به آنها را در سیاست‌های رژیم صهیونیستی به شرح جدول ذیل ارائه کرد:

جدول ۱. مبانی الهیاتی و گفتمان‌های متناظر

ردیف	مبانی الهیاتی	سطح اثرگذاری	گفتمان متناظر
۱	سرزمین موعود	تعریف منافع حیاتی و حساسیت نسبت به قلمرو	شهرک‌سازی
۲	جنگ تکلیفی	مشروعیت بخشی به توسل به زور در برخی شرایط	مشروعیت بخشی برخی جریان‌های صهیونیسم مذهبی به استفاده از زور
۳	حفظ جان یهودیان	تقویت اولویت امنیت و دفاع پیش‌دستانه در گفتمان سیاسی	—
۴	رستگاری و نقش دولت	تقویت انگیزه حفظ و توسعه حاکمیت در قرائت صهیونیسم مذهبی	پیوند میان حفظ حاکمیت و برخی قرائت‌های آخرالزمانی
۵	دشمن در قرائت‌های دینی	اثرگذاری بر ادراک تهدید در برخی جریان‌های ایدئولوژیک	اهمیت خدمت نظامی در میان بخشی از جریان‌های مذهبی ملی‌گرا

مأخذ: نگارندگان.

البته باید در نظر داشت که این مؤلفه‌ها جایگزین اصول حرفه‌ای دکترین نظامی نیستند، بلکه در سطح هنجاری، ایدئولوژیک و مشروعیت‌بخش بر برخی جهت‌گیری‌های امنیتی و سیاسی اثر گذاشته و تبدیل این مبانی به اقدام عملیاتی، نیازمند عبور از فیلتر نهادهای نظامی و سیاسی سکولار است.

۷. نهادینه شدن الهیات در ساختار ارتش رژیم صهیونیستی

بررسی تحولات تاریخی ارتش رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که نسبت میان الهیات و ساختار نظامی این رژیم، پدیده‌ای ایستا یا یک‌باره نبوده، بلکه حاصل فرایندی تدریجی از نهادسازی، چانه‌زنی نهادی و تحول در ترکیب نیروهای فرماندهی است. از این منظر، ادعای تأثیر الهیات بر بخشی از سیاست‌ها و نگرش‌های نظامی رژیم، نه از رهگذر استناد صرف به متون دینی، بلکه از طریق بررسی تحول نهادهای نظامی و مذهبی قابل تبیین است [۱۷].

در سال‌های نخست تشکیل رژیم صهیونیستی، ارتش اسرائیل عمدتاً تحت تأثیر نخبگان سکولار صهیونیست قرار داشت و ساختار فرماندهی آن بر مبنای ملاحظات دولت‌سازی و الزامات امنیتی شکل گرفته بود. در چنین شرایطی، حضور نیروهای مذهبی در ارتش با دغدغه حفظ احکام شرعی و استمرار زیست دینی همراه بود و هنوز از جایگاه مؤثری در سطوح تصمیم‌گیری برخوردار نبود. تأسیس نهاد «خاخام نظامی» در سال ۱۹۴۸ و انتصاب خاخام شلومو گورن^۱ به نخستین مقام خاخام ارتش را می‌توان نقطه آغاز نهادینه‌شدن تدریجی حضور دین در ساختار ارتش دانست. گورن علاوه بر سازماندهی شبکه خاخام‌های نظامی، تلاش کرد تا موضوعاتی نظیر احکام شریعت در میدان نبرد، رعایت مناسک دینی، شیوه دفن کشته‌شدگان، اجرای عملیات در روز شَبات و برخی مسائل مرتبط با حقوق جنگ را در قالب دستورالعمل‌های فقهی وارد نظام اداری ارتش کند. با این حال، نفوذ این نهاد در دهه‌های نخست محدود بود و بسیاری از دیدگاه‌های آن در چارچوب ساختار فرماندهی عمدتاً سکولار ارتش مورد مذاکره و گاه مناقشه قرار می‌گرفت [۱۷].

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، هم‌زمان با رشد جریان صهیونیسم مذهبی، مسیر اثرگذاری این جریان نیز دستخوش تحول شد. اگر در دهه‌های نخست، تمرکز اصلی بر حفظ هویت دینی نیروهای مذهبی در ارتش بود، به تدریج راهبرد جدیدی در میان بخشی از نخبگان صهیونیسم مذهبی شکل گرفت که هدف آن حضور فعال در رده‌های فرماندهی و مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی نظامی بود. در همین چارچوب، تأسیس مدارس و یشیواهای پیش‌نظامی، به‌ویژه مدرسه «بنی داوود» در شهرک علی (۱۹۸۸)، نقطه عطفی در تربیت نسل جدیدی از افسران مذهبی محسوب می‌شود. مأموریت این مراکز صرفاً آماده‌سازی دینی سربازان نبود، بلکه تربیت فرماندهانی بود که بتوانند هم‌زمان از آموزش‌های نظامی حرفه‌ای و مبانی الهیاتی صهیونیسم مذهبی برخوردار باشند [۱۷].

داده‌های موجود نشان می‌دهد که این سیاست در طول دو دهه بعد، آثار قابل توجهی بر ترکیب بدنه فرماندهی ارتش بر جای گذاشت. در حالی که در دهه ۱۹۹۰ سهم فارغ‌التحصیلان مدارس مذهبی در دوره‌های آموزش افسری بسیار محدود بود، تا سال ۲۰۱۱ حدود ۴۲ درصد از دانشجویان دوره‌های افسری نیروهای زمینی از مدارس مذهبی فارغ‌التحصیل شده بودند. همچنین در سال ۲۰۱۲، حدود یک‌چهارم فارغ‌التحصیلان دوره افسری پیاده‌نظام از دانش‌آموختگان یشیواهای پیش‌نظامی بودند، در حالی که این مراکز تنها حدود ۴ درصد از کل مشمولان خدمت و وظیفه را تشکیل می‌دادند. این روند نشان می‌دهد که حضور نیروهای مذهبی در ارتش صرفاً یک تحول جمعیتی نبوده، بلکه به تدریج به شکل‌گیری مسیر نهادی مشخصی برای ورود آنان به رده‌های فرماندهی انجامیده است [۱۷].

در ادبیات مطالعات امنیتی اسرائیل، این تحول صرفاً افزایش تعداد افسران مذهبی تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان تغییر در «سرمایه رهبری» و شکل‌گیری شبکه‌ای از فرماندهان دارای پیشینه مشترک مذهبی مورد تحلیل قرار گرفته است. در چنین چارچوبی، مدارس پیش‌نظامی

1. Shlomo Goren



مذهبی علاوه بر آموزش نظامی، در انتقال الگوهای هویتی، تفاسیر دینی و فهم خاصی از نسبت میان دولت، امنیت و سرزمین نیز نقش ایفا می‌کنند [۱۷].

در کنار این تحول نهادی، بخشی از ادبیات صهیونیسم مذهبی نیز دستخوش تغییر شده است. در حالی که نسل نخست خاخام شلومو گورن، مأموریت ارتش را عمدتاً در چارچوب دفاع از دولت یهود و تثبیت حاکمیت ملی تفسیر می‌کرد، در میان برخی جریان‌های متأخر صهیونیسم مذهبی، مفاهیمی نظیر «گئولا» (رستگاری)، تحقق وعده الهی و قداست سرزمین جایگاه پررنگ‌تری یافته است. بر این اساس، بخشی از کنشگران مذهبی، خدمت نظامی را صرفاً وظیفه‌ای امنیتی نمی‌دانند، بلکه آن را جزئی از فرایند تحقق رسالت دینی و تاریخی دولت یهود قلمداد می‌کنند [۱۷].

نمونه‌هایی از این تحول را می‌توان در ادبیات منتشر شده توسط نهادهای وابسته به جنبش جهانی مزراحی و برخی یشیواهای صهیونیسم مذهبی مشاهده کرد. برای مثال، در ویژه‌نامه پوریم سال ۵۷۸۶ نشریه هامیزراخی،^۱ جنگ پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نه صرفاً یک رویارویی نظامی، بلکه بستری برای «تجدید حیات معنوی» جامعه اسرائیل توصیف شده است. در این روایت، حضور تورات در میدان نبرد، گسترش دعا و آموزش دینی در یگان‌های رزمی و فعالیت خاخام‌های نظامی در شناسایی و تدفین کشته‌شدگان، به‌عنوان جلوه‌هایی از تقدس خدمت نظامی و پیوند میان ایمان و دفاع از دولت یهود معرفی می‌شود. هرچند این روایت بیانگر دیدگاه همه جریان‌های مذهبی یا کل ساختار ارتش اسرائیل نیست، اما نشان می‌دهد که در بخشی از گفتمان صهیونیسم مذهبی، جنگ در چارچوبی فراتر از محاسبات صرفاً امنیتی تفسیر می‌شود [۱۷]. بر این اساس، شواهد موجود حاکی از آن است که تأثیر الهیات بر ارتش رژیم صهیونیستی را نمی‌توان به‌صورت کلی و یکدست به کل ساختار نظامی تعمیم داد و همچنین نمی‌توان آن را صرفاً به حوزه مناسک دینی محدود کرد. آنچه در دهه‌های اخیر قابل مشاهده است، نهادینه شدن تدریجی حضور جریان صهیونیسم مذهبی در بخشی از ساختار فرماندهی، آموزش نظامی و نهاد خاخام نظامی است؛ فرایندی که می‌تواند بر نحوه فهم مفاهیمی همچون امنیت، تهدید، سرزمین و مشروعیت استفاده از قدرت نظامی در میان بخشی از نخبگان نظامی و سیاسی اثرگذار باشد، هرچند تصمیمات نهایی همچنان در تعامل با ملاحظات راهبردی، سیاسی، اطلاعاتی و بین‌المللی اتخاذ می‌شوند [۱۷].

۸. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

همان‌طور که اشاره شد حداقل ۵۵ درصد از جمعیت ساکن رژیم صهیونیستی نقش دین را در جامعه و سیاست جدی می‌گیرند. این جمعیت شامل جریان‌های صهیونیسم ملی، سنتی‌ها و حریدی‌هاست. متون دینی مورد ارجاع این سه جریان در باب جنگ، مشتمل بر تورات، کتاب پیامبران، تلمود، شریعت و تفاسیر ابن‌میمون است و جریان صهیونیسم ملی-مذهبی، علاوه بر موارد ذکر شده، تفاسیر خاخام کوک را نیز مدنظر قرار می‌دهند. در متون مقدس یهودی و به‌صراحت در تورات، محدوده سرزمین مقدس اسرائیل از مدیترانه تا رود فرات ذکر شده است. جنگ برای به‌دست آوردن این محدوده سرزمینی توسط دولت رژیم امری مقدس و وظیفه دینی انگاشته می‌شود. اما آنچه مابین سه جریان ذکر شده محل اختلاف است، آن است که آیا در این زمانه و در هنگام حضور دولتی سکولار همچنان انجام این وظایف، خواست خداوند است یا خیر. با این حال هر سه جریان تسلط بر این سرزمین‌ها را حقی الهی-تاریخی برای خود می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت که یکی از انگیزه‌های اساسی جامعه رژیم صهیونیستی برای جنگ در غرب آسیا، کسب تسلط سرزمینی بر همسایگان خود تا رود فرات است. علاوه بر آن، جریان صهیونیسم ملی-مذهبی، تشکیل دولت رژیم صهیونیستی را آغازی برای رستگاری نیز می‌دانند. مجموع این موارد روشن می‌کند که جامعه رژیم صهیونیستی در درون خود محرک‌های کافی مذهبی برای سرکوب و تجاوز به همسایگان را داراست و حتی در زمانه غلبه سکولاریته، انگیزه‌های مذهبی جنگ را در این جامعه می‌توان به‌نحوی عیان مشاهده کرد؛ برای مثال «جنگ تکلیفی» در مشروعیت بخشی برخی

جریان‌های صهیونیسم مذهبی به استفاده از زور نقش داشته و ایده «سرزمین موعود» بر گفتمان مربوط به شهرک‌سازی تأثیر گذاشته است. البته باید توجه داشت که نفوذ روزافزون جریان صهیونیسم مذهبی در ارتش الزاما به معنای تبدیل شدن کل ارتش به یک نهاد ایدئولوژیک-دینی نیست.

در نهایت الهیات بیش از آنکه علت مستقل آغاز جنگ باشد، چارچوب هنجاری و مشروعیت‌بخش تصمیمات سیاسی و امنیتی را فراهم می‌کند؛ هر چند در برخی جریان‌های ایدئولوژیک، این مؤلفه می‌تواند در تعیین جهت‌گیری‌های راهبردی نیز اثرگذار باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الهیات در بسیاری از موارد، نقش توجیه‌گرانه و مشروعیت‌بخش پسینی (بعد از تصمیم‌گیری امنیتی) ایفا می‌کند تا نقش علی مستقل. در برخی جریان‌های رادیکال صهیونیسم مذهبی، این نقش به انگیزه‌ای پیشینی نیز تبدیل می‌شود، اما حتی در این موارد نیز الهیات به تنهایی تعیین‌کننده نبوده و با محاسبات سیاسی و امنیتی درهم آمیخته است. بنابراین نمی‌توان به سادگی هر جنگی را «برآمده از الهیات» دانست؛ بلکه الهیات، چارچوبی هنجاری برای تفسیر و پذیرش آن جنگ در افکار عمومی دینی فراهم می‌کند. لذا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ریشه‌های الهیاتی جنگ در میان جریان‌های مؤثر رژیم صهیونیستی انجام شده و از این رو تمرکز اصلی آن بر مبانی اعتقادی، هنجاری و مشروعیت‌بخش جنگ بوده است، نه بر تحلیل جامع‌دکترین نظامی رژیم صهیونیستی.

به منظور بهره‌برداری از گسل‌های اجتماعی-الهیاتی موجود در جامعه کنونی رژیم صهیونیستی، پیشنهاد می‌شود که از موارد ذیل در جنگ شناختی رسانه‌ای با رژیم صهیونیستی استفاده گردد:

۱. تمرکز بر شکاف «خدمت نظامی اجباری»

نابرابری در توزیع بار نظامی میان جریان‌های سکولار و حریدی، یک نقطه آسیب‌پذیری راهبردی و عامل فرسایش انسجام داخلی است. عملیات رسانه‌ای می‌تواند با هدف، تضعیف تاب‌آوری ملی و تشدید تضادهای داخلی در زمان بحران و جنگ‌های طولانی مدت، به صورت هوشمندانه و غیرمستقیم، این بی‌عدالتی را برای افکار عمومی رژیم صهیونیستی و جوامع یهودی خارج از آن بر جسته سازد. البته، باید این نکته را نیز در نظر داشت که بروز تهدیدات خارجی و جنگ، در بسیاری از موارد می‌تواند به افزایش هم‌بستگی داخلی، تقویت هویت ملی و کاهش موقت آثار برخی شکاف‌های اجتماعی منجر شود. از این رو، هرگونه تحلیل درباره امکان بهره‌برداری از شکاف‌های اجتماعی، تابع شرایط زمانی، شدت تهدید، وضعیت افکار عمومی و تحولات سیاسی داخلی خواهد بود و نمی‌توان برای آن حکم کلی صادر کرد. همچنین لازم به ذکر است که شکاف مربوط به خدمت نظامی، پدیده‌ای چندبعدی و ریشه‌دار است که تحت تأثیر عوامل مذهبی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و هویتی قرار دارد و تحلیل آن نیازمند توجه هم‌زمان به این متغیرهاست.

۲. خلع سلاح مشروعیت در مجامع بین‌المللی

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی می‌تواند با ایجاد یک روایت متقابل، سوءاستفاده ابزاری رژیم صهیونیستی از الهیات یهودی برای توجیه اشغالگری، توسعه‌طلبی از نیل تا فرات و پاک‌سازی قومی را در مجامع بین‌المللی و گفتمان‌های حقوق بشری افشا نمایند. ایجاد تمایز میان آیین یهودیت و «الهیات جنگ افروز صهیونیسم مذهبی» می‌تواند بستر مناسبی برای همراه کردن افکار عمومی جهانی (حتی جوامع یهودی خارج از فلسطین اشغالی) علیه سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم فراهم آورد.



منابع و مأخذ



[1] <https://doi.org/10.1080/1462317X.2026.2668203>.

[۲] «مؤسسه دموکراسی اسرائیل» (Israel Democracy Institute-ID): این پژوهشکده سالانه گزارش‌هایی (مانند سالنامه آماری جامعه‌حریدی و شاخص دموکراسی اسرائیل) منتشر می‌کند که تغییرات جمعیتی این گروه‌ها را با جزئیات نشان می‌دهد.

<https://en.idi.org.il/tags-en/30018>.

<https://en.idi.org.il/tags-en/31046>.

[۳] «مرکز تحقیقات پیو» (Pew Research Center): یکی از جامع‌ترین مطالعات در این زمینه، نظرسنجی گسترده این مؤسسه در سال ۲۰۱۶ با عنوان «جامعه از نظر مذهبی چندپاره اسرائیل» (Israel's Religiously Divided Society) است که به‌عنوان یک منبع پایه برای این دسته‌بندی و درصدها در جهان شناخته می‌شود. البته درصدهای ذکر شده با در نظر گرفتن رشد جمعیتی (به‌ویژه رشد جامعه‌حریدی) تا سال‌های اخیر به‌روزرسانی شده‌اند.

<https://www.pewresearch.org/religion/2016/03/08/israels-religiously-divided-society/>.

[۴] عهدعتیق کتاب‌های شریعت یا تورات؛ ترجمه پیروز سیار، انتشارات هرمس.

[۵] عهدعتیق کتاب‌های پیامبران؛ ترجمه پیروز سیار، انتشارات هرمس.

[۶] عهدعتیق کتاب‌های تاریخ؛ ترجمه پیروز سیار، انتشارات هرمس.

[۷] کتاب مقدس. ترجمه هزاره نو.

[8] Ion, Menachem. Jewish Law: History, Sources, Principles. 4 vols. Philadelphia: Jewish Publication Society, 1994

[9] yutorah.org.

[10] hartman.org.il.

[11] <https://www.washingtonpost.com/nation/2024/13/09/rabbi-protest-israel-gaza>.

[12] <https://www.washingtonpost.com/dc-md-va/2023/17/12/reform-judaism-israel-gaza-war>.

[13] <https://apnews.com/article/us-jews-israel-gaza-humanitarian-crisis-9b09ec317734006064ae02c282dd8aed>.

[14] <https://www.reuters.com/world/middle-east/netanyahus-biggest-coalition-partner-backs-prospective-gaza-hostage-deal-202404-06->.

[15] <https://www.washingtonpost.com/politics/202506/10/jewish-americans-israel-poll-gaza/>.

[16] <https://www.jpost.com/israel-news/article-823716>.

[17] <https://www.tabletmag.com/sections/israel-middle-east/articles/israel-theology-power-religious-zionism>.

[۱۸] مرکز آمار مرکزی اسرائیل (CBS): این مرکز در نظرسنجی‌های اجتماعی سالانه خود (Social Survey) میزان مذهبی بودن یهودیان بالای ۲۰ سال را بررسی می‌کند.

<https://www.cbs.gov.il/en/subjects/Pages/Social-Survey.aspx>.

عنوان: ریشه‌های الهیاتی «جنگ» در رژیم صهیونیستی



DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21745>

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

رویکرد کنونی رژیم صهیونیستی بیش از گذشته تابع «الهیات یهود» و جریان‌های افراطی شده است. درک این موضوع و تمرکز بر کسست‌های هویتی-اجتماعی درون این رژیم، فرصتی راهبردی در جنگ شناختی فراهم می‌آورد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir